

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمات برنامه ریزی درسی

گردآوری؛ دکتر فریمان ابراهیم زاده

عضو هیات علمی دانشگاه

فصل اول؛ مفاهیم و کلیات

در پایان این فصل انتظار می رود دانشجویان عزیز قادر باشند

- ۱- در خصوص اهمیت نظام آموزش و پرورش در جامعه توضیح دهند
- ۲- در مورد نقش مدیریت آموزشی در توسعه نظام آموزش و پرورش شرح دهند
- ۳- کارکردهای مهم مدیریت را نام ببرند
- ۴- برنامه ریزی را تعریف کنند
- ۵- برنامه ریزی درسی را تعریف کنند
- ۶- در مورد رویکردهای کلی برنامه ریزی درسی شرح دهند
- ۷- انواع برنامه ریزی درسی را نام ببرند
- ۸- در مورد برنامه ریزی قصد شده توضیح دهند
- ۹- در مورد برنامه ریزی پنهان و اهمیت آن شرح دهند

اهمیت نظام آموزش و پرورش

بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی و توسعه در جوامع پیشرفته نشان می دهد که همه ی این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار هستند. تبلور آموزش و پرورش در تربیت نیروهای انسانی متعهد، دانشمند، متخصص و ماهر است. در دنیای امروز که علم و تکنولوژی با رشد و گسترش وسیع و جهان شمول به عنوان عامل مهم و اساسی در فرایند رشد و توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری به حساب می آیند، نهادها و نظام های آموزش و پرورش نقش بس عظیم و پراهمیتی را به دست آورده اند. عنایت و توجه روزافزون به نوع و گسترش آموزش ضرورتی انکار ناپذیر است که ناشی از آهنگ سریع تغییرات در عرصه های مختلف فعالیت های اقتصادی، اجتماعی جوامع می باشد. ترقی و پیشرفت های علمی و تکنولوژی در دنیای امروز و سرعت تغییرات و دگرگونی در اسلوب و روش های علمی و تکنولوژی بسیار سریع و حیرت انگیز است و غفلت و عدم توجه کافی به آموزشهای لازم و مناسب و غفلت از هماهنگی و تطابق سطح کیفی و کمی و نیروی انسانی با سطح رشد علمی و فنی از هر جامعه ای نهایتاً تنگناها و مشکلات عدیده ای را فرا راه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد خواهد نمود. مطالعات انجام شده نشان می دهد که:

- مادرانی که به مدرسه رفته اند، در آینده فرزندان سالم تر و با تغذیه بهتر داشته که به همان نسبت احتمال موفقیت این فرزندان بیشتر می باشد.
 - آموزش توانایی خانواده ها برای رسیدگی به مشکلات جسمی و روحی فرزندان را افزایش می دهد
 - فرصت های متعددی را در اختیار افراد قرار داده و امکان تعریف نقش های اجتماعی بیشتری را برای افراد فراهم می نماید.
 - مدرسه به جلوگیری از خطرات قاچاق و کار کودکان کمک می کند.
 - آموزش باعث ایجاد انگیزه و اعتماد به نفس می شود.
 - آموزش چیزهایی را که برای مشارکت در دنیای امروز نیاز داریم به ما ارائه می دهد.
 - درک بیشتری از توانایی و پتانسیل فرد ارائه می دهد.
- از منظر دیگر می توان گفت آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی نقش بسیار موثری را ایفا می نماید که بطور کلی در سه بخش بصورت کلی به شرح ذیل می توان بر شمرد:

۱- پایداری ملت‌ها و ارزش‌های ملی: کشورما شامل اقوام و مذاهب مختلفی است، که همگی آنها در کنارهم ملت ایران را تشکیل می‌دهند. تمام احساسی که دانش آموزان نسبت به کشور پیدا می‌کنند در دوران کودکی یا نوجوانی خود از آموزش و پرورش فرا می‌گیرند .

۲- فرهنگ‌سازی نظام‌های اجتماعی: آموزش و پرورش، نظام‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. دانش آموزان از همان روزهای نخستین ورود به مدرسه برای خود افراد و گروه‌هایی را انتخاب کرده و با آنها به تعامل می‌پردازد که در سال‌های اخیر دستگاه‌هایی خارج از نظام آموزشی با نظام مندی آنها برای اجرای اهداف خود از گستردگی این گروه‌ها استفاده کرده‌اند. به‌عنوان مثال وزارت بهداشت، مقررات بهداشتی خود را از طریق مدارس می‌تواند توسعه دهد. پلیس راهنمایی و رانندگی طرحی با نام همیار پلیس را با همکاری آموزش و پرورش اجرا می‌کند، و این امر سبب شده تا بسیاری از حوادث کاهش یابد که با هیچ برنامه‌ای نمی‌توانست به این نسبت از موفقیت برای کنترل حوادث رانندگی برسد.

۳- نقش آموزش و پرورش بر نظام سیاسی کشور که عبارتند از: ۱- ایجاد یگانگی سیاسی در جامعه. ۲- مدرسه، مشروعیت اقتدارنظام سیاسی را انتقال می‌دهد. به کودکان می‌آموزد که نماد سیاسی کشور خود را بپذیرند و نسبت به اقتدار سیاسی و حکومت وفادار باشند. آموزش و پرورش می‌تواند به تغییر در نظام سیاسی از طریق کارکرد تربیت اعضای جدید کمک کند مثل گزینش و تربیت رهبران سیاسی که در کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد. مدرسه عامل مهمی در وحدت قومی به شمار می‌آید به ویژه برای کشورهای تازه به استقلال رسیده‌اند و دارای جمعیت ناهمگون از لحاظ زبان یا قوم هستند. ۳- آخرین کارکرد سیاسی آموزش و پرورش رسمی از گروه‌های ذی نفع است که این گروه‌ها می‌کوشند تصمیم‌گیری‌های سیاسی را تحت تاثیر قرار دهند مثل انجمن‌های دانشجویی

برای رسیدن به آگاهی و سواد، امروزه دیگر بینش و ضرورت آموزش و پرورش در بسیاری از کشورها کاملاً شناخته شده و تلاش آنها در جهت بهبود این رکن اساسی و انسان ساز جوامع است و مستلزم رسیدن به این باور است که امروز دانایی، و توانایی است .

پیازه عقیده دارد: «هدف اساسی آموزش و پرورش بار آوردن افرادی است که بتوانند دست به کارهای خلاق و تازه برنند، نه اینکه فقط به تکرار کارهای گذشتگان بپردازند. غرض، ساختن اشخاصی است که خلاق، مخترع و کاشف باشند.»

آگوست کنت پدر علم جامعه‌شناسی می‌گوید: «پیشرفت و ترقی بشر به آموزش و پرورش صحیح بستگی تمام و کمال دارد زیرا تعلیم و تربیتی صحیح است که حس تفاهم را بین افراد پرورش می‌دهد.»

وارد جامعه‌شناسی آمریکایی معتقد است: «تعلیم و تربیت در پیشرفت اجتماع اثر فراوان دارد زیرا اگر انسان صحیح پرورش یابد، قادر به حل مشکلات موجود خود خواهد بود و مشکلاتی را که در راه پیشرفت و ترقی اقتصادی و اجتماعی است، از بین خواهد برد»

جهان امروز دریافته است که آموزش افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد. سرمایه‌انسانی که در نتیجه آموزش حاصل می‌شود از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آید.

هاریسون در این زمینه اظهار می‌دارد: «منابع انسانی پایه‌های اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولیدند در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را متراکم می‌سازند.»

هدف توسعه تغییر و دگرگونی مطلوب و همه‌جانبه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد که آن نیز بستگی به پرورش مغزهای آموزش‌یافته دارد که می‌تواند تحقیق کنند، نوآوری داشته باشند و خود و جامعه را با محیط مناسب سازگار نمایند. آموزش و پرورش عامل اصلی و یکی از ارکان آن، معلمان، می‌توانند نقش بسزایی را در راه توسعه کشور ایفا نمایند.

نقش مدیریت موثر در پیشرفت نظام آموزش و پرورش

در خصوص مدیریت تعاریف گوناگونی وجود دارد از جمله این تعاریف عبارتند از :

- مفهوم مدیریت عبارت است از؛ هنر انجام دادن کار به وسیله دیگران.
- مفهوم مدیریت عبارت است از؛ فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری، کنترل و ارزشیابی با استفاده از کلیه منابع انسانی مالی مادی و اطلاعاتی به منظور تحقق اثربخش و کارآمد هدف‌های سازمان یا شرکت.
- مدیریت به معنی فرایند انجام کارها بطور اثربخش و کارآمد بوسیله دیگران است.

- مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی سازماندهی بسیج منابع و امکانات هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می گیرد .

با توجه به تعاریف مدیریت ، مدیریت آموزشی مناسب و کارآمد نقش اساسی و کلیدی در تمامی مراحل فرآیند حیاتی آموزش بر عهده دارد و عملکرد مناسب مدیران آموزشی به عنوان حلقه ارتباط دهنده ، هدایت و کنترل کننده فراگیران و معلمان در این فرایند آموزش ، بسیار حائز اهمیت بوده ضامن کارائی و اثربخشی سازمان آموزشی است . در عصر تکنولوژی و کامپیوتر ، مدیران آموزشی نیازمند اطلاعات و دانش عمومی و تخصصی روز دنیا از طریق کسب آموزش های مورد نیاز می باشند و باید با بکارگیری الگوها و روشهای جدید مدیریتی و اتکا به دانش نوین بیش از پیش در ارتقاء کارائی و اثربخشی ونیل به اهداف تعیین شده کوشید .

مدیریت آموزشی با پیدایی و تحول نظام های نوین آموزش و پرورش پدید آمد . در قرن بیستم بر اثر توسعه آموزش عمومی ، تاسیس مدارس و سازمانهای آموزشی بزرگ و متعدد ، گوناگون شدن امر آموزش و پرورش و تخصصی شدن آن ، اهمیت و ضرورت سازماندهی و مدیریت فعالیتهای آموزشی به تدریج آشکار گردید . مدیریت در آموزش و پرورش ، در ابتدا ، وظیفه نسبتا ساده ای تلقی می شد که شاید تنها شرط لازم برای ایفای آن ، داشتن تجربه کار بود . از اینرو اداره امور آموزشی و مدیریت مدارس ، معمولا به افرادی که از صلاحیت اخلاقی برخوردار بودند و چند سالی تجربه معلمی داشتند سپرده می شد . بعلاوه ، منظور از مدیریت آموزشی تفتیش و بازرسی امور و ایجاد هماهنگی از راه اعمال مقررات ، نظارت و کنترل بود . امروزه مدیریت آموزشی غالبا به مفهوم رهبری ، راهنمایی ، اصلاح و تغییر مورد نظر است . از اینرو ، نیل به هدفهای متعالی آموزش و پرورش در هر جامعه ای ، مستلزم تجدید سازمان و نو اندیشی در مدیریت نظام آموزشی است (علاقبند ۱۳۸۷) .

منظور اصلی از مدیریت در هر سازمانی عبارت از هماهنگ سازی کوشش های افراد انسانی و استفاده مؤثر از منابع دیگر برای تحقق هدفهای آن است . پس منظور از مدیریت در سازمانهای آموزشی ، تحقق هدفهای آموزشی و پیشبرد مؤثر آموزش و یادگیری است . مدیریت آموزشی در کل عبارتست از برنامه ریزی ، سازماندهی ، هدایت و کنترل کلیه امور و فعالیتهای آموزش و پرورش است . ولی مدیریت آموزشی به معنای اخص آن بیشتر مد نظر است و آن یعنی ، مدیریت آن بخش از فعالیتهای سازمانهای آموزشی که مستقیما با امر آموزش و پرورش و یادگیری مرتبط است ، از جمله فعالیتهای مربوط به برنامه های آموزشی ، مواد و محتوای

دروس ، روشها و وسایل آموزشی ، مشاوره و راهنمایی تحصیلی برنامه های مکمل آموزشی و امور معلمان و دانش آموزان .

تحقق هدفهای آموزش و پرورش مستلزم سازماندهی و مدیریت است . از این رو در هر نظام آموزشی ، طرح مشخصی برای سازمان و مدیریت امور آموزشی پیش بینی و تهیه می شود. طرح سازمان تشکیلات نظام آموزشی و شیوه مدیریت آن ، غالبا تحت تاثیر سیاستهای دولتی است. شیوه مدیریت نظام آموزشی اساسا به نظریه سیاسی حاکم بر جامعه وابسته است و فقط هنگامی تغییر می کند که نگرش سیاسی ، دستخوش تغییر و دگرگونی شود(علاقبند ۱۳۸۷) .

شکل گیری روابط و کنش های متقابل میان سازمانها و افراد نظام ، تابع ساختار سازمانی و شیوه مدیریت آن است. سازمان نظام نظامهای آموزشی در جهان یا دارای ساختار متمرکز است و یا ساختار نامتمرکز. متمرکز کردن ساختار عبارتست از ادغام دو یا چند نظام تحت هدایت یک سازمان نظارتی واحد و نامتمرکز کردن ساختار ، عبارتست از تفکیک و تقسیم یک نظام به دو یا چند نظام مستقل که هریک سازمان کنترل کننده ویژه خود را دارند(علاقبند ۱۳۸۷) .

مدیریت دارای پنج گارکرد مهم است که عبارتند از : برنامه ریزی ، سازماندهی ، بسیج منابع ، رهبری و کنترل در این میان برنامه ریزی مهمترین کارکرد مدیریت است که ارتباط تنگاتنگی با چهار کارکرد دیگر دارد. در ادامه ابتدا به مفهوم برنامه ریزی ، سپس برنامه ریزی درسی پرداخته خواهد شد :

برنامه ریزی وظیفه اصلی مدیریت است که شامل تصمیم گیری در مورد اقدامات آینده است. تعاریف متعددی از برنامه ریزی وجود دارد ، اما تعریفی که به خوبی مطالعه شده است و معنای مناسبی دارد این است . برنامه ریزی به معنای تعیین آنچه باید انجام شود ، چگونه و کجا باید انجام شود ، چه کسی باید آن را انجام دهد و نتایج چگونه مورد ارزیابی قرار گیرد ، تعریف می شود.

رنامه ریزی شامل تعیین اهداف و تدوین روشی مناسب برای دستیابی به این اهداف است. این نقطه شروع برنامه ریزی است: تعیین اهداف .

مفهوم برنامه ریزی درسی

از برنامه ریزی درسی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. این گوناگونی ناشی از رویکردها و موضع گیری های مختلفی است که درباره آموزش و پرورش وجود دارد، این رویکردهای مختلف بر برنامه ریزی درسی نیز تأثیر می گذارد، گروهی با توجه به آموزه های آموزش و پرورش پیشرفته، که بر محوریت کودک تأکید دارد، بر آن اند که آموزش و پرورش و برنامه های آن باید متناسب با نیازهای یادگیرندگان باشد و گروه دیگر بر نیازهای جامعه و مسائل زندگی در جامعه تأکید می ورزند و مطالعه «جامعه شناسی برنامه ریزی درسی را ضروری می دانند

گروه دیگری از اندیشمندان بر ارزش «دانش» و یادگیری آن تمایل دارند و بر برنامه ریزی «موضوع محور» یا «دیسپلین - محوری» تأکید می ورزند و بر توسعه تفکر اصرار دارند. مریان تربیتی و دانشمندانی نیز هستند که آموزش و پرورش و به تبع آن برنامه ریزی درسی را ساخت و فرهنگی سیاسی میدانند. به نظر این گروه «ایده ها، نظرات، و تفکرات درباره آموزش و پرورش و برنامه ریزی درسی تحت تأثیر ایده ها و استراتژی های حکومت ها قرار می گیرد، تعیین هدف ها، منابع، محتوا، روش ها و فرایندهای آموزشی و پرورشی تحت نظارت و کنترل آنها انجام می گیرد. از این رو، تفاوت در مفاهیم و تعاریف برنامه درسی می روش های متفاوت برنامه ریزان و مریان در درک و فهمیدن روابط مدارس، حکومت ها، و جامعه است

علاوه بر آن، گروهی دیگر بر ایده و واقعیت های جهانی شدن و دهکده جهانی به نظر دارند. تغییر بنیادی آموزش و پرورش، در نتیجه تغییر الگوهای برنامه ریزی درسی را پیشنهاد می کنند و بر بازسازی هویت انسانی، برای هزاره سوم و انسان فراملی علاقه نشان می دهند. به نظر این گروه که بر توسعه ظرفیت گزینش های انسان در یک جامعه قابلیت زا، تأکید دارند آموزش و پرورش نه تنها باید معلمان باصلاحیت، ساختمان و تجهیزات جدید و متناسب با ویژگی های هزاره سوم تدارک ببیند، بلکه در همان زمان باید برنامه های خود را متناسب و سازگار با شرایط جدید زندگی در دهکده جهانی بازسازی کند. تأثیر کامل مسائل جنگ، افزایش جمعیت، کنترل سلاح های کشتار جمعی (سلاح های اتمی)، مسئله حقوق مدنی شهروندان، فقر، آلودگی آب و هوا، گسترش حاشیه شهرنشینی، ماشینی شدن و سایر مسائل که بی گمان در آینده پیش خواهد آمد رو در روی کودکانی هستند که هم اکنون در مدارس ابتدایی حضور دارند

برنامه ریزی درسی مدارس ابتدایی

کارکرد برنامه درسی دوره ابتدایی به وسیله دو عامل اساسی تعیین می شود. از یک سو، میلیونها کودک مدرسه رو در کشور وجود دارند. کودکانی با پتانسیل بسیار زیاد برای زندگی در جامعه، اما متفاوت از نظر توانایی و ظرفیت یادگیری. از سوی دیگر، در جامعه مسائل بی شماری وجود دارند و باید برای بهبود و غنی تر کردن زندگی انسانها کارهایی انجام بگیرد از این دیدگاه برنامه درسی تفکر ابزارگونه ای است که این دو عامل اساسی را به هم پیوند می دهد. پس برنامه درسی دوره ابتدایی شامل تجاربی است کودکان از طریق آن به خود شکوفایی می رسند و در همان زمان یاد می گیرند در ساختن جامعه خوب، کشور خوب، و برای بهتر زیستن همگان مشارکت کنند. بعضی دلالت ها و مفاهیم ضمنی این تعریف وسیع برنامه درسی در ابتدایی از این قرار است (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰):

۱.. برنامه درسی تنها شامل تجربیات کودکان است، برنامه درسی تنها در کتاب های درسی یا در موضوع های درسی و یا در برنامه و علاقه و توجه معلمان به موضوع ها و مسائل خاصی نیست. موضوع های مورد یادگیری در واقع همان نقشی را دارند که نقشه جاده ها برای مسافرت لازم است. در ارزشیابی برنامه درسی بررسی دقیق کیفیت زندگی که پیامد برنامه درسی است ضرورت دارد.

۲. برنامه درسی فراتر از محتوای موضوع های درسی است که باید آموخته شود. گرچه انتخاب محتوای مفید و مناسب مهم ترین مسئولیت برنامه ریزان درسی و معلم است. اما محتوا تنها برنامه درسی را تشکیل نمی دهد، مگر این که محتوا بخشی از تجارب کودک باشد.

۳، مهم ترین کار برنامه درسی، هدایت زندگی است. برنامه درسی باید محیط ویژه (به جای محیط بی نهایت وسیع) و نظام دار، بررسی شده و ساده برای مقاصد ویژه باشد.

۴/ کار برنامه ریزان درسی، کار یادگیری تخصصی است که آگاهانه و به منظور هدایت استعدادها و علاقه های کودکان به سوی مشارکت فعال و مؤثر در زندگی اجتماعی محلی و جامعه بزرگ تر انجام می گیرد. همچنین کار برنامه ریزان درسی کمک به کودکان در غنی تر کردن زندگی خودشان و مشارکت در بهسازی جامعه از طریق آشنا کردن آنان با اطلاعات، مهارت ها و نگرش های سودمند است..

د. مسئله برنامه ریزی درسی تنها توجه به این نیست که کدام موضوع باید آموخته شود، با ذهن یادگیرنده تقویت شود و یا دانش او افزایش پیدا کند بلکه باید به بهبود زندگی فرد و اجتماع نیز توجه شود

برنامه درسی قصد شده

برنامه درسی اساس و پایه کارهای تربیتی مدارس است. در این میان برنامه درسی پلی است میان ایده آل ها و انتظارات (هدفها)، و واقعیت ها که در زندگی مدرسه ای اتفاق می افتد. به سخن دیگر، برنامه درسی حاصل ترکیب انتظاراتی است از آنچه کودکان باید یاد بگیرند با آن چه در دنیای واقعیت ها در پرتو صرف وقت بیشتری از زندگی شان در مدرسه کسب می کنند، این مقصود مهم علت وجودی مدرسه است و به این دلیل است که اصلاح و بهبود مستمر وضع تحصیلی در مدارس در اهمیت اول قرار می گیرد. هر چند، اصلاح می تواند به طور مستقیم متوجه سایر جنبه های مدرسه مانند ساختار سازمانی، منابع مالی، نقش دانش آموزان و معلمان، و مدیریت مسئولیت ها باشد، با این وصف همه این جنبه ها، در تحلیل نهایی، به قصد اصلاح و بهسازی برنامه های درسی مدارس انجام می گیرد. (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

در این عنوان یک جنبه از برنامه درسی مورد مطالعه قرار می گیرد و آن برنامه درسی قصد شده است. این چیزی است که از دانش آموزان انتظار می رود یاد بگیرند. در پرتو برنامه درسی قصد شده آموزش دانش آموزان به طور عمدی و آگاهانه برنامه ریزی و اجرا می شود. برنامه درسی قصد شده نتیجه بخشی از چرخه برنامه ریزی اصلاح و توسعه برنامه درسی است و باز تایی از امیدها، آرمان ها و هدفها و انتظارات مردم و علاقه مندان است درباره آنچه در مدارس برای دانش آموزان در طول دوران تحصیل در مدرسه اتفاق می افتد

برنامه درسی قصد شده از چهار منبع ویژه سرچشمه می گیرد. این چهار منبع شامل ۱) ادراک کارکردهای واقعی مدارس و کارکردهای ایده آل و مطلوب است یعنی ادراک آنچه هست و آنچه باید باشد، ۲) محتوا و راهنمای برنامه درسی، ۳) انواع مواد یادگیری در دسترس و قابل استفاده ۴) پتانسیل منابع تأثیرگذار بر مدارس و معلمان و انتظاراتی که از آنها می رود. این منابع برنامه درسی قصد شده تأثیر بیشتر و قدرتمندی بر یادگیری های دانش آموزان مدارس ابتدایی دارند. بنابراین، برنامه ریزانی که برنامه ریزی اصلاح و بهسازی برنامه درسی را انجام می دهند باید دقت و توجه بیشتری را مبذول دارند (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

با وجودی که اصطلاح برنامه درسی شامل همه جنبه های تربیتی مدرسه می شود اما تا مدت ها معنای اصلاح و بهسازی برنامه درسی، توافق یا عدم توافق، بین برنامه ریزان موضوعی مبهم بوده است. به تدریج که مطالعات درباره رشته برنامه ریزی درسی در دانشگاهها نضج میگیرد عدم توافق درباره معنا و ماهیت اصلاح و بهسازی

برنامه درسی مشهود می شود. این عدم توافق حداقل در سه مورد خودنمایی می کند، (۱) عدم توافق ناشی از تفاوت در ادراک و موضع گیری برنامه ریزان درباره معنا و مفهوم برنامه درسی، (۲) عدم توافق درباره نوع تجارب یادگیری که دانش آموزان باید در طول دوره تحصیل در مدرسه کسب کنند، (۳) عدم توافق درباره صلاحیتها و ویژگی های علمی، مهارتی، و ارزشی دانش آموزانی است که پس از اتمام تحصیلات رسمی وارد اجتماع بزرگسالان می شوند (والانس و آیزنز به نقل از کلاین)

در هر حال، برنامه درسی تحت تأثیر موقعیت و ارزش هر یک از مباحث یاد شده قرار می گیرد. به این ترتیب که، مثلا، چه نوع برنامه درسی بر مهارت های تفکر، یا بر رشد شخصی دانش آموزان، یا بر توسعه مهارت ها و دانش اساسی، یا بر ایجاد جامعه عدالت محور و برابر خواه، و یا ترکیبی از این موقعیت های ارزشی تأکید کند؟ توافق در مورد هر یک از موارد یاد شده، که باید پایه و اساسی برای برنامه درسی باشد کار ساده و آسانی نیست. هر چند کار اساسی برای اصلاح و بهسازی برنامه درسی داشت. و نقشه است

یکی از الزامات تعیین مقاصد تربیتی و کارکردهای مدارس ابتدایی و جو بصیرت روشن درباره کارهای تربیتی مدارس است. زیرا که وجود بصیرت درباره نوع و ویژگی برنامه درسی نقش مهمی را در روشن تر کردن برنامه قصد شده ایفا می کند و لازمه آن پاسخگویی به سؤالات اساسی زیر است

(کارکردهای اساسی و هدف های برنامه درسی کدام اند؟ ۲) چه چیزهایی باید آموخته شوند؟ ۳) چه موادی در دسترس و قابل استفاده هستند؟ ۴) آیا مواد مورد نظر متناسب با برنامه قصد شده اند و از آن پشتیبانی موفقیت آمیز هستند؟ می کنند؟ ۵) منابع تأثیرگذار بر آموزش معلمان کدام ها هستند و تا چه میزان تحقیق درباره کارکردهای تربیتی مدارس ابتدایی با این که مدارس کارکردهای متعددی دارند، جامعه پذیر کردن کودکان با گرایش به فرهنگ مسلط و تربیت نگهبانان فرهنگ مسلط، اصل اساسی کارکرد تربیتی مدارس است. هر چند، در چارچوب این کارکرد تربیتی می توان بر موارد متعددی تأکید کرد. کلاین در تحقیقی که انجام داده است چهار مورد اصلی را برای بررسی انتخاب کرده است که شامل: ۱) توسعه عقلانی، ۲. توسعه اجتماعی، ۳. توسعه شخصی، ۴. توسعه مهارتهای حرفه ای دانش آموزان است. این چهار مورد طیف وسیعی از هدف ها را برای برنامه درسی قصد شده نشان می دهند. مثلا اگر روی توسعه عقلانی تأکید شود، در این صورت برای ایجاد چنان توسعه ای بر مهارت های ریاضی خواندن، نوشتن و ارتباط کلامی تأکید خواهد شد. اگر بر توسعه این تأکید شود آن وقت سازگاری دانش آموزان با دیگران، آماده کردن آنان پله پرش و عملکرد مسئولیت های مدنی

و اجتماعی، و توسعه آگاهی های اجتماعی آنان، ارج گذاری به فرهنگ خود و دیگران مورد توجه قرار خواهد گرفت. همچنین، اگر بر توسعه شخصی دانش آموزان تأکید شود به وجود آوردن خودباوری در دانش آموزان، توسعه خلاقیت، تفکر به طور مستقل و پرورش انضباط شخصی مورد توجه قرار خواهد گرفت. سرانجام تأکید بر توسعه مهارت های حرفه ای، مدارس سعی خواهند کرد دانش آموزان را برای استخدام آماده کنند، مهارت های لازم را برای کارایی و به دست آوردن شغل توسعه دهند، آگاهی دانش آموزان را درباره انتخاب مسیر زندگی شغلی توسعه دهند و با در نظر گرفتن گزینه های متعدد بر بهترین ها تأکید کنند. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

به این ترتیب، آنچه در برنامه درسی قصد شده باید آموخته شود، بر اساس بیشترین تأکید بر هر یک از موارد چهارگانه یاد شده، تعیین خواهد شد. در این تحقیق از معلمان، مدیران، دانش آموزان، و والدین خواسته شده است اگر قرار باشد بین چهار تأکید پادشده یکی را انتخاب کنند اولویت با کدام یک خواهد بود. بیش از پنجاه درصد معلمان ابتدایی نمونه آماری، به ترتیب توسعه عقلانی، اجتماعی، و شخصی را برای برنامه درسی مهم تر دانسته اند. هم چنان که انتظار می رفت جنبه توسعه مهارت های حرفه ای در اهمیت کمتری قرار داشت. گرچه حدود ۲۰ درصد نمونه آماری از معلمان آن را هم مهم دانسته بودند. والدین نمونه آماری هم نظری مشابه معلمان را داشتند. هر چند، نمرات آنان در حد کمتر از نظر معلمان بود و به نظر آنان آموزش حرفه ای نیز دارای اهمیت بود (کلاین صص ۱۲-۱۸)

یک نگاه کلی به برنامه درسی

گرچه بدون تردید تأکید بر توسعه عقلانی دارای اهمیت بالایی در برنامه درسی است و به طوری که گفتیم تحقیق کلاین نشان می دهد تعداد قابل توجهی از والدین، معلمان، و دانش آموزان توسعه شخصی، اجتماعی، و حرفه ای را نیز دارای اهمیت می دانستند. اگر این کارکردها قرار است واقع در برنامه درسی قصد شده ملحوظ شود بعضی چیزهای دیگری نیز باید موضوع های درسی متنی اضافه شود

بین برنامه درسی ای که به دانش آموزان کمک می کند مسئولیت های خود را بپذیرند، با دیگران سلوک رفتار داشته باشند و به فرهنگ خود و دیگران اوج بگذارند و برنامه درسی ای که اساسا بر اهمیت یادگیری واقعیت هل فرایندها و مفاهیم، و مهارت های خواندن، حساب کردن تأکید می کند تفاوت دارد. موضوع های مطالعات اجتماعی به طور وسیع و مبتنی بر تجارب و نتایج تحلیل های تاریخی باید جایگاه ویژه و برجسته ای در

برنامه درسی داشته باشد تا به دانش آموزان جهت دستیابی به هدف های باد شده کمک کناف همچنین توسعه خود باوری، خلاقیت، انضباط شخصی، توانایی تفکر به طور مستقل مستلزم قبول خطرهایی (ریسک) است. انتخاب کردن، درگیر شدن بیشتر با هنرها، صرف وقت برای مشخص کردن بازتاب آنها در دانش آموزان و دریافت بازخورد در مورد آنچه آموخته می شود از جمله ویژگی های برنامه درسی سنتی معمولی نیستند، بلکه بخشی از یک برنامه درسی هستند که بر اساس خواسته گروه های معینی پیشنهاد می شوند و به طور یقین می تواند بیشتر از این هم توسعه یابد. آنچه در برنامه ریزی درسی اهمیت دارد این است که گروه برنامه ریزان تعیین می کنند که برنامه درسی را چگونه در نظر بگیرند یعنی والدین، مدیران، معلمان، و

دانش آموزان به وجود چه حوزه هایی اعتقاد دارند و آنها را مورد تأکید قرار می دهند، در این صورت ضرورت دارد که به گروه های مختلف فهمانده شود که هر یک از حوزه های برنامه درسی در آموزش و پرورش کودکان چه مهمی دارند. تنها از راه دانایی است که می توانند به طور خردمندانه انتخاب در تأکید کتتا، حوزه هایی که به وسیله گروه های تأثیرگذار مورد توافق قرار می گیرند مهم ترین تأثیر در تعیین هدف های برنامه درسی قصد شده را دارند

برنامه درسی پنهان: زمینه های فیزیکی – اجتماعی مدرسه

کلاس های مدارس ابتدایی به طور سنتی، معمولا به شکل قوطی (قوطی کبریت) با یک معلم و به طور متوسط ۲۸ تا ۳۰ دانش آموز درگیر فرایند تدریس و یادگیری هستند. زمانی که سخن از برنامه درسی می شود همیشه این تصور ایجاد می شود که معلم و دانش آموزان در یادگیری های طراحی شده سخت کار می کنند. با این امید که دانش آموزان از یک جهت یا از جهات دیگر انسان های بهتری خواهند شد. این موضوع به برنامه درسی قصد شده با برنامه درسی تصریح (رسمی) مربوط می شود که قبلا بحث شد (آیزنر ۱۹۸۵)، پس، برنامه درسی قصد شده یا صریح (رسمی) شامل هدفهای محتوا، و روش های آموزشی ای می شود که به طور آگاهانه تعیین و برنامه ریزی شده است. در این برنامه - برنامه درسی نصد شده معلم و دانش آموزان هر روز با همدیگر فعالانه کار می کنند.

در دهه های اخیر توجه فزاینده ای به یادگیری های دیگری، به غیر آنچه در برنامه درسی فصد شده مورد هدف بود، جلب شده است. معلم و دانش آموز هر روز در کلاس و مدرسه با همدیگر زندگی میکنند. برنامه ریزان درسی و مربیان آموزشی اذعان می دارند که در مدارس، بیشتر یادگیری های عمدی قبلا مشخص شده، یاد

گرفته می شود و این یادگیری های علاوه بر یادگیری های عملی و هدایت شده، بخش ضروری و اجتناب ناپذیر فعالیت های مدرسه ای است، به طوری که در مواردی ممکن است دوام این نوع یادگیری ها بیشتر از یادگیری های مربوط به برنامه درسی قصد شده باشند، و این برنامه اکثراً «برنامه درسی پنهان یا ضمنی» نامیده می شود. این نوع برنامه جنبه فراموش شده یا نادیده انگاشته شده در برنامه اصلاح و بهبود مدرسه بوده است. برنامه درسی پنهان برای برنامه ریزان از جهت اضافه کردن پر طرح های هر گونه اصلاح برنامه جامع مدارس از اهمیت ویژه برخوردار است

مفاهیم برنامه درسی پنهان (مستتر) از جمله مفاهیم بسیار ارزشمند و راه گشا در تفکر و عمل برنامه ریزی درسی است (مهرمحمدی، ۱۳۸۰ ص ۲۶۰). برنامه درسی پنهان به تدریس متن غیررسمی و غیر ملموس نظام ارزش ها، هنجارها و طرز برداشتها و جنبه های غیرآکادمیک مراکز آموزش عالی و جنبه های غیررسمی مراکز آموزش عالی که متأثر از کل نظام تربیتی به فلسفه حاکم، ساخت و بافت کلی جامعه باشد، اطلاق می شود (قورچیان، ۱۳۷۴) به عبارت دیگر برنامه درسی پنهان اجمالاً به مجموعه ای از یادگیری های در نظام آموزش عالی اطلاق می شود که در بستر فرهنگ حاکم بر محیط آموزشی (دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی) و بدون آگاهی اعضای هیأت علمی و دانشجویان برای دانشجویان حاصل می شود. در این مقاله برنامه ریزی درسی پنهان مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

فیلیپ جکسون [۳] (در سال ۱۹۶۰ واژه برنامه درسی پنهان را رسماً وارد ادبیات برنامه ریزی درسی کرد (قورچیان، ۱۳۷۳ ص ۴۸) ژيرو [۴] (۱۹۸۳) نظریه پرداز مشهور برنامه درسی پنهان در مقدمه کتاب خود تحت عنوان کتاب برنامه درسی پنهان و تربیت اخلاقی شکل گیری اصطلاح علمی برنامه درسی پنهان را همزمان با انتشار کتاب فیلیپ جکسون تحت عنوان «زندگی در کلاس درس در سال ۱۹۶۸ می داند، تاکنون صاحب نظران و اندیشمندان حوزه مطالعات برنامه درسی، تعاریف مختلفی از برنامه درسی پنهان ارائه داده اند. در اینجا برخی از این تعاریف اشاره می شود:

• آیزنر (۱۹۹۴) برنامه درسی پنهان را اجمالاً به مجموعه ای از یادگیری ها در نظام آموزشی می داند که در بستر فرهنگ حاکم بر محیط آموزشی و بدون آگاهی اعضای هیأت علمی و دانشجویان برای دانشجویان حاصل می شود.

• رابی آیسبورک (۲۰۰۰) برنامه درسی پنهان را چنین تعریف کرده است، «برنامه درسی پنهان متشکل از پیام های ضمنی جو اجتماعی مراکز آموزشی است که نوشته نشده است ولی توسط همه احساس می شود. برنامه درسی

پنهان بدنه دانشی است که دانشجویان را به سهولت از طریق بودن هر روزه در محیط دانشگاه، هضم می‌کند (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۰ ص ۲۸).

• بلوم [۵] (۱۹۸۱) برنامه درسی را شامل برنامه درسی آشکار و پنهان می‌داند به اعتقاد او برنامه درسی آشکار، شامل مقاصد، اهداف و قوانین و مقررات مکتوب دانشگاه و مراکز آموزش عالی است. در مقابل برنامه درسی پنهان را غیرمدون و تعریف نشده می‌داند. او می‌گوید برنامه درسی پنهان در نظام آموزشی در زندگی روزمره و تعامل در محیطهای یادگیری شکل می‌گیرد. از نظر بلوم برنامه درسی، هم فرایند است و هم نتیجه، هم پنهان است و هم آشکار، هم ذاتی است و هم رفتاری.

• برگمن گوستن (۱۹۸۷) در مورد مفهوم برنامه درسی پنهان آنچه که به طور ضمنی در اصول و سازماندهی نظام آموزش عالی (مثلاً نظم و ترتیب در کلاس و وضعیت گروهی) و در الگوی ارتباط و تعامل در مراکز آموزشی (مثلاً تکرار دروس، شنیدن، گوش دادن، اطاعت و ...) وجود دارد، شامل می‌شود. از این رو، وی معتقد است که بهتر است پدیده برنامه درسی پنهان را آموزشی ضمنی یا غیر صریح بنامیم، زیرا واژه برنامه درسی پنهان شامل همه آموزشهایی است که ورای نتایج یادگیری رسمی واقع می‌شود (سعیدی، ۱۳۸۰).

• ملکی (۱۳۷۶) برنامه درسی پنهان را چنین تعریف کرده است: «عوامل دیگری که جزء برنامه درسی رسمی نیست و از دید و مشاهده برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی پنهان است و در فکر و عواطف و رفتار دانشجویان اثر می‌کند و در اغلب موارد مؤثرتر از برنامه درسی پیش‌بینی شده عمل می‌نماید. قوانین و مقررات دانشگاه، جو دانشگاه، رابطه و تعامل اعضای هیأت علمی و دانشجویان از اهم این عوامل هستند. از تأثیر اینها تفکر، نگرشها و گرایشهایی در دانشجویان شکل می‌گیرند که در ادبیات برنامه درسی، این تأثیرات را برنامه درسی پنهان تلقی می‌نمایند.

• قورچیان (۱۳۷۳) برنامه درسی پنهان را شامل تدریس ضمنی، غیررسمی و غیرملموس نظام ارزشها، هنجارها، طرز تلقی‌ها و جنبه‌های غیر ملموس دانشگاهها و مراکز آموزش عالی است که متأثر از کل نظام تربیتی و بافت کل جامعه است.

براساس تعاریف فوق می‌توان این استنباط را کرد که همه تعاریف از نظر مفهومی به طور مستقیم یا؟؟ مفهوم برنامه درسی پنهان را در مقابل مفهوم برنامه درسی رسمی یا آشکار قرار داده‌اند. همچنین برنامه‌های درسی پنهان را یادگیری چیزهایی غیر از اهداف رسمی و صریح نظام آموزشی می‌دانند که برای دانشجویان در

دانشگاهها و مراکز آموزش عالی حاصل می‌شود. همچنین یورتلی (۱۹۹۳) مفاهیم برنامه درسی پنهان را براساس مطالعات انجام شده را در چهار دسته تقسیم‌بندی می‌کند.

۱. برنامه درسی پنهان به عنوان انتظارات غیررسمی یا پیامهای غیرصریح اما مورد انتظار

۲. برنامه درسی پنهان به عنوان پیامها یا نتایج قصد شده یادگیری

۳. برنامه درسی پنهان به عنوان پیامهای غیرصریح ناشی از ساختار آموزشی

۴. برنامه درسی پنهان به عنوان آنچه که دانشجو خلق می‌کند.

(سعیدی، ۱۳۸۰، ص ۳۱)

آنچه از برنامه درسی پنهان یاد گرفته می‌شود متفاوت است از برنامه درسی صریح آموخته می‌شود. برنامه درسی پنهان گاهی از محیط فیزیکی و اجتماعی مدرسه و کلاس درس سرچشمه می‌گیرد، گاهی کام بخشی از کارهای علمی کلاس درس است، زیرا آن نوع یادگیری‌ها عقلایی عاطفی است، ظاهر شدن آن هم زیاد آسان نیست و بیشتر به طور غیر مستقیم آموخته می‌شود، این برنامه، هم چنان که گفتیم برنامه درسی ضمنی با پنهان نامیده می‌شود و شامل نگرش‌ها، هیجانات، و ارزش‌های آموخته شده در مدرسه است که جدا از برنامه درسی صریح است

توجه اخیر به برنامه درسی پنهان، و برنامه درسی صریح موجب شده است توجه و دقت برنامه ریزان به جنبه های فیزیکی و تعاملات اجتماعی مدارس و کلاس درس جلب شود در فرایند اصلاح و بهسازی برنامه های درسی مدارس مد نظر قرار گیرند. در واقع، بیشتر این جنبه ها به طور سنتی به عنوان بخشی از برنامه مورد توجه قرار نمی‌گیرند، اما به دانش آموزان بعضی پیام های مهم و قوی را بیشتر می‌آموزند. جنبه های برنامه درسی پنهان که ممکن است برنامه ریزان درسی بر آنها تأکید کنند شامل:

۱. ویژگی های فیزیکی مکانی که دانش آموزان و معلمان هر روز در آن کار و زندگی می‌کنند، چیست؟ فراهم شده است؟
- ۲- چه منابع فیزیکی و انسانی به عنوان پشتیبان و تسهیل کننده یادگیری می‌گذارد؟
- ۳- چگونه فعالیت های مدرسه ای، بر خودپنداره دانش آموز تاثیر می‌گذارد
- ۴- نظر دانش آموزان درباره معلم خودشان چیست؟
- ۵- چگونه دانش آموزان، جدا از کارهای علمی شان، همدیگر را درک می‌کنند و دوست می‌دارند؟

۶- چگونه دانش آموزان مدرسه و کلاس درس را به عنوان مکانی برای یادگیری و زندگی ادراک می کنند؟

این سؤالات پتانسیل راه های انتقال پیام را از برنامه درسی پنهان به برنامه ریزان نشان می دهند. هم چنین بعضی از این سؤالات ممکن است برای مطالعه و یادگیری انتخاب شوند. به علاوه، این سؤالات انتظاراتی را که برنامه ریزان برای مطالعه برنامه درسی ممکن است داشته باشند نشان می دهد

زمینه فیزیکی مدرسه و کلاس درس

زمینه فیزیکی مدرسه و کلاس درس تأثیر به سزایی در یادگیری و کارهای تربیتی مدرسه دارد. برنامه ریزان باید در نظر بگیرند آیا زمینه فیزیکی کلاس درس با توسعه دانش آموزان در همه زمینه ها (عقلانی، اجتماعی، جسمانی و عاطفی) سازگار است یا نه، در این مورد سؤالات زیر مطرح می شود

۱. پیام های ضمنی زمینه فیزیکی کلاس درس که ممکن است در رفتار دانش آموزان تأثیر بگذارد کدام است؟
 ۲. آیا یادگیری فعالیت جدی و مؤثر است با یک فعالیت انفعالی و غیر مؤثر؟ آیا یادگیری در کلاس جالب است با کسل کننده؟ آیا چیدمان صندلی ها در کلاس و وجود مواد فراوان وسایل آموزشی و کمک آموزشی امکان فعالیت و یادگیری بیشتری را فراهم می آورند؟
 ۳. آیا موقعیت فیزیکی کلاس (از نظر شکل، پنجره ها، رنگ دیوار، نور و...) جاذبه دارد و جالب توجه است و آیا مکانی است که دانش آموزان را به زندگی در آن جلب می کند؟
 ۴. آیا پیام های ارتباطی برنامه درسی پنهان، یادگیری دانش آموزان طی برنامه درسی قصد شده را تقویت می کنند؟
 ۵. اگر پیام های ارتباطی برنامه درسی پنهان از یادگیری در برنامه درسی قصید شده (صریح) پیشنهاد شده حمایت نکنند چه اصے فیزیکی مدرسه و کلاس درس باید انجام گیرد تا در یادگیری دانش مدرسه سهم مؤثری داشته باشد؟
- اینها سؤالاتی هستند که پیش روی برنامه ریزان قرار می گیرند که باید برای آنها پاسخ های خردمندانه و عملی پیدا کنند.

زمینه اجتماعی و تعامل مدرسه دانش آموزان مدارس ابتدایی هر روز حدود ۴ تا ۵ ساعت با معلمان خود کار و زندگی می کنند. در طول این مدت با تعداد کمتری از بزرگسالان به طور اثربخشی تعامل خواهند داشت. به این ترتیب تعاملات اجتماعی دانش آموزان منحصر با معلمان و همکلاسان خود خواهد بود. این تعاملات عامل مهمی در برنامه درسی پنهان است به طوری که در کیفیت زندگی و تجربه دانش آموزان تأثیر مهمی می گذارد.

بخش مهم تأثیر مدرسه در دانش آموزان فرصتی است که در مدرسه دانش آموزان می توانند با معلمان و دوستان خود ملاقات کنند. به ویژه که دانش آموزان از هر فرصتی استفاده می کنند تا با دوستان و همکلاسان خود در تعامل باشند. روابط آنها با دوستان و همکلاسان جنبه مهمی از زمینه اجتماعی کلاس درس و مدرسه است و این که دانش آموزان دوره ابتدایی چگونه همکلاسان و روابط خود را با دوستان و معلمان ادراک می کنند، در رشد زندگی اجتماعی و سازگاری آنها با اجتماع بسیار مهم است و این بخشی از برنامه درسی پنهان است.

قدرت برنامه درسی پنهان

قدرت برنامه درسی پنهان هرگز نباید از نظر تأثیر بر دانش آموزان که انگاشته شود. برنامه درسی پنهان از این نظر که دانش آموزان یاد می گیرند چگونه خود را از جنبه های مختلف در مدرسه ادراک کنند، تعیین کننده مهم و نیرومندی است. قبلاً در مورد پتانسیل پیام هایی که دانش آموزان می توانند از برنامه درسی پنهان با توجه به ساختار و زمینه مدرسه و کلاس ادراک کتنا بحث شد. با این همه جنبه های بیشتر دیگری نیز وجود دارند که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می شود

۱. میزان غیبت از مدرسه و کلاس درس ۲. میزان مخالفت با دروس علمی و مباحث انتزاعی ۳. نوع و میزان مشارکت اختباری در فعالیت های فوق برنامه ۴. میزان استفاده از کتابخانه یا مرکز مواد آموزشی ۵. چگونگی برقراری مقررات و کارهای جاری استقرار یافته ۶. چگونگی برقراری استانداردهای ارتباط به وسیله معلم ۷. ترکیب اجتماع در گروه های کاری متشکل و دلایل تشکل آنها ۸. ادراکات و انتظارات دانش آموزان و معلم از یکدیگر

سرانجام، پیام های برنامه درسی پنهان این است که: ۱. اهمیت گروه بیشتر از فرد است، ۲. یادگیری دانش آموزان با نوع سرمشق دادن معلم شان بستگی دارد به این معنا که تا چه میزان او را توانا، با معلومات، و فرد خیلی مهم و دوست داشتنی بدانند، پیام دیگر برنامه درسی پنهان مربوط به زمینه کلاس درس است که در آن دانش آموزان دارای احساسات دوستانه، گرم و حامی همدیگر هستند. گرچه در دسته های دانش آموزان رقابت و ناهماهنگی در مدرسه وجود دارد، با وجود این دانش آموزان به طور کلی صمیمی و دوست داشتنی ادراک می شوند. به علاوه آنها خودپنداره مثبتی را توسعه می دهند. از این رو، پیام های منفی پنهانی و بدبینانه نباید به زمینه های فیزیکی و اجتماعی کلاس درس منتقل شود. در این مورد معلم باید مفروضات (بدبینانه) خود را درباره کارهای آموزشی و پرورشی مدارس و تغییر شرایط موجود به چالش بکشد"

و این مبحث از فرائی کلاین ترجمه و نقل شده است (تقی پورظهیر، ۱۴۰۰)

برنامه درسی انفرادی و شخصی

وجود برنامه درسی استاندارد برای همه و نبود برنامه درسی و تک تک یادگیرندگان مسئله ای است که برنامه ریزان باید با آگاهی و درایت آن را حل کنند. زیرا اهمیت زیادی برای دانش آموزان و جامعه دارد. آنچه در مدارس آموخته می شود برنامه درسی معمولی و مشترک برای همه است و کمترین تفاوتی از یک کلام به کلاس دیگر، و از یک مدرسه به مدرسه دیگر ندارد. سؤالی که مطرح است این است: آیا برای مدارس محتوای اساسی و بنیادی ای وجود دارد که از همه دانش آموزان انتظار می رود آنها را یاد بگیرند برای بیشتر ما جواب پلی است. مهارت های اساسی، مفاهیم و نگرش ها و فرایندهایی وجود دارند که یادگیری آنها برای هر دانش آموز جهت ادامه تحصیل و عمل کردن به طور مؤثر در یک فرهنگ متکثر با قومیت های متنوع ضروری است. این یادگیری ها شامل: خواندن، نوشتن، حساب کردن، تفکر انتقادی، سنجیدن شواهد و مدارک، تفکر و مهارت در مشاهده، تفکر درباره محیط اجتماعی و طبیعی (فیزیکی)، و عملکرد سازمان یافته و عقلانی است. (تقی پورظهیر، ۱۴۰۰)

علاوه بر موارد یاد شده، تجارب مدرسه ای در یادگیری های مربوط به ارج گذاری به فرهنگ های متفاوت، وابستگی انسان ها به یکدیگر، و اینکه چگونه باید یاد گرفت، بیشتر از آنچه در برنامه های درسی فعلی وجود دارد پایه سهم داشته باشد. حتی آن جنبه از برنامه مدارس ابتدایی که باید به همه دانش آموزان در یک کلاس آموخته شود می توان گزینه هایی را از همان محتوای دروس به طور انفرادی آموزش داد. در این صورت به

دانش آموزان فرصت داده می شود انتخاب کنند کی و چگونه آنها را یاد بگیرند. همچنین در این مورد، در بین انواع رسانه های آموزشی، آموزش به کمک کامپیوتر واقعیتی است که می تواند به عنوان یک گزینه مهم به دانش آموزان به مستقل و جدا از آموزشی گروهی کمک کرد که یاد بگیرند که چرا باید یاد بگیرند. همین طور، گزینه ای از فعالیت ها و استراتژی های آموزشی برای پاسخگویی مؤثر به روش های مختلف یادگیری و نیازهای دانش آموزان می تواند مورد استفاده قرار گیرند. منابع یادگیری نیز باید براساس این که چگونه این منابع می توانند به یادگیری دانش آموزان درباره آنچه نیاز دارند به بهترین وجهی کمک کنند با استفاده از روش های گوناگون انتخاب شوند. این نوع برنامه ریزی به انفرادی کردن برنامه درسی و تأمین نیازهای دانش آموزان بهتر کمک می کند (تقی پورظهیر ، ۱۴۰۰)

در مورد عناوین و مفاهیم مورد استفاده در یادگیری مهارت های اساسی، فرایندها و نگرش های گوناگونی و تنوع قابل ملاحظه ای می توان یافت. مثلا در یادگیری چگونه باید یاد گرفت، آیا واقعا مسئله مهمی است که این گونه یادگیری را دانش آموزان ضمن دروس تاریخ، جغرافیا، به طور کلی در علوم اجتماعی با درس بیولوژی یاد بگیرند. البته یادگیری بیشتر مفاهیم و روش ها در چارچوب این موضوع ها مهم است. اما از همه دانش آموزان نمی توان و نباید هم یکسان انتظار داشت که همه آنها را یاد بگیرند. اگر تأکید برنامه درسی بر توسعه مهارت های اساسی در یادگیری چگونه یاد گرفتن است نه یادگیری محتوای دانش معینی، در این صورت دانش آموز می تواند محتوای خاصی را که متناسب با علاقه های خود تشخیص می دهد برای یادگیری انتخاب کند. به طوری که این انتخاب شانس تأمین نیازهای او را افزایش می دهد، درجه بالایی از انگیزه را برای یادگیری فراهم می آورد و کنجکاوی وی را برای یادگیری های بعدی بیشتر می کند.

به این ترتیب برنامه درسی انفرادی وسیله ای است برای فراهم آوردن فرصت هایی که دانش آموزان مطابق با علاقه هایشان آنچه را باید یاد بگیرند انتخاب کنند. مشکل این نوع برنامه ریزی - برنامه ریزی درسی برای هر فرد این است که تنوع بیشتری را در محتوای موضوع ها و موادی که باید انتخاب و تدوین شوند ایجاد می کند. از طرفی معلمان باید علاوه بر داشتن آزادی عمل و امکانات، ترغیب شوند. کلاس درس خود را به صورتی تنقل کنند که دانش آموزان برای یادگیری عناوین و مفاهیم مختلف برانگیختگی تشویق شوند.

فصل دوم

اهداف رفتاری؛ انتظار می رود دانشجویان عزیز در پایان این فصل قادر باشند:

۱- یادگیری را تعریف کنند

۲- در مورد نقش یادگیری در برنامه ریزی درسی توضیح دهند

۳- در خصوص اهمیت نظریه های یادگیری در برنامه ریزی درسی شرح دهند

۴- نکات کلیدی در یادگیری دانش آموزان ابتدایی را ذکر نمایند

مبانی برنامه ریزی درسی در دوره ابتدایی

تربیت به هر طریق که صورت گیرد بر پایه یادگیری خواهد بود. براین اساس وقتی معلم به دنبال آن است تا دریابد که موضوع خاصی را چگونه باید تدریس کرد، ناگزیر است که به روانشناسی یادگیری و نظریه های آن مراجعه کند و نحوه یادگیری هر یک از مخاطبان را مورد مطالعه قرار دهد.

در واقع، الگوهای تدریس، الگوهای یادگیری هستند و ما ضمن یاری شاگردان در کسب اطلاعات، نظریه ها، مهارت ها، ارزش ها و شیوه های تفکر و راه های نشان دادن خود، به آنها نحوه ی یادگیری را نیز می آموزیم. از آنجا که تدریس به منظور تسهیل یادگیری انجام می شود و هریک از هدف های آموزشی معرف نوع خاصی از انواع یادگیری است بنابراین ضروری است که معلمان در تمام مراحل تدریس خود به یافته های روانشناسی یادگیری مراجعه و بر اساس قوانین و نظریه های یادگیری به منظور بهبود فعالیت های تدریس تصمیمات متناسب و منطقی اتخاذ کنند.

نظریه ها ضمن هدایت روش های تدریس، معلمان را با سودمندی و کاربردی بودن روش به کار گرفته شده آشنا می سازد.

نکته قابل توجه این است که هر یک از نظریه های یادگیری بر جنبه خاصی از یادگیری تأیید بیشتری ورزیده و جنبه های دیگر آن را کمتر مورد توجه قرار داده است. تا کنون نظریه های واحدی نتوانسته است تصویر جامع و کاملی از تمامیت یادگیری انسان ارائه دهد. (تقی پورظهير، ۱۴۰۰)

شناخت بهتر از فرایند یادگیری و اطلاع از اصول رشد انسانی عامل مهمی در به وجود آوردن تغییرات در برنامه درسی مدارس ابتدایی است. شواهدی در دست است که اثربخش ترین معلمان به طور کلی آنهایی هستند که درباره کسانی که به آنها آموزش می دهند اطلاعات بیشتری دارند. هم چنین یادگیری چیست؟ چگونه آگاهی های جدید درباره رشد انسان در برنامه درسی مورد استفاده قرار می گیرد؟ تا چه میزان برنامه آموزش، با توجه به تشابهات و تفاوت های کودکان شکل می گیرد؟ اطلاعات درباره این سؤالات، و سؤالات بسیار درباره تأثیر فرهنگ و عامل ارثی (ژنتیک) در رشد و نمو کودکان موضوعی است که جایگاه ویژه در برنامه ریزی درسی دوره ابتدایی دارد.

نظریات یادگیری بر گرفته از اصول رشد و توانائی و ویژگیهای یادگیری در انسان است واضح است اگر محتوا مطابق با نظریات یادگیری باشد پس مطابق با نظریات رشد و ویژگیهای یادگیری انسان است و وقتی این ویژگیها برقرار باشد یادگیری آسان تر می شود. یادگیری باکسب دانش فهمیدن یا تسلط یابی از تجربه یا مطالعه تعریف شده است اگر چه بیشتر این تعریف را نمی فهمیدند. بررسی نظریه های ارائه شده در یادگیری از دیرباز مورد توجه دانشمندان بوده است فرایند یاد دهی یادگیری پدیده مهمی است که در طول زندگی با انسان عجیب شده است امام علی میفرماید هرکس کلمه ای به من بیاموزد مرا بنده خود ساخته است و معانی از این قبیل براهمیت یادگیری می افزاید. اما رابطه نظریه هایی یادگیری با محتوای کتب درسی چیست؟ تغییر همه ساله تعدادی از کتب و محتوا دروس نشان میدهد که محتوای کتب درس متناسب با نیازهای دانش آموز نبوده، مولفان دست اندر کار ان مجبور به تغییرات شده اند، بی توجهی به محتوای کتب درسی مدارس و دانشگاه از معضلات نظام آموزشی ما است. استفاده از روش صحیح تهیه محتوی کتب، یکی از عواملی است که منجر به افزایش یادگیری مناسب خواهد شد از جمله راههای اثر بخش کردن کتب درسی استفاده از نظریه های یادگیری در تنظیم و طراحی کتب درسی است.

طراحی آموزش در لغت الفبای اختراع کردن. اندیشیدن یا تنظیم ذهنی ترسیم ساختن آماده کردن پیش نویس یک نقشه اختصاص دادن یا بکار بردن منابع درسی کتبی به یک هدف و سرانجام تهیه یک نقشه کاری برای حصول به آنچه از پیش تعیین شده است، طراحی آموزش تهیه نقشه های مشخص در مورد چگونگی دستیابی به هدف های آموزشی.

مفهوم یادگیری

از یادگیری تعابیر مختلفی شده است. یادگیری به مفهوم کسب دانش و مهارت ها، یادگیری به مفهوم تغییر رفتار نسبتا پایدار، گاهی هم یادگیری با یکی از مفاهیم مکانیکی یا اورگانیکی مورد بررسی قرار می گیرد. از ویژگی های مفهوم مکانیکی یادگیری گفته می شود که رفتار انسان از قوانین ماشینی (مکانیک) پیروی می کند. با این تفکر، یادگیری فرایند انباشت است مثل گذاشتن آجر روی آجر در دیوار که هر جزء به تنهایی دارای معنی است و استفاده از روش های سنتی آموزش یعنی تکرار و روش حفظی برای یادگیری کافی است. به این ترتیب معتقد است کل از مجموع اجزاء تشکیل شده است. از ویژگی های مفهوم اورگانیکی یادگیری گفته می شود رفتار انسان از الگوی رشد اورگانیسم زنده پیروی می کند. یادگیری به فرایند رشد، و پختگی (بالندگی)، و تمایز و افتراق تأکید دارد. به سخن دیگر، یادگیری نتیجه بینش، پختگی، و تمایز است و کل بزرگتر از مجموع اجزا است و هر جزء زمانی دارای معنی است که در ارتباط با کل در نظر گرفته شود، پس یادگیری یک کلیت است، واقعیت ها و مهارت ها در موقعیت های معنی داری آموخته می شوند، نه از طریق تکرار هر جزء به طور جداگانه

از هنگامی که مدارس به عنوان محیط آموزشی پایه گذاری گردید موضوع آموختن پیچیده تر شد. و همچنین برنامه های آموزشی به صورت رسمی در مدارس به مورد اجرا در آمدند معلمان در مورد مختلف به نارسائیهای این برنامه ها پی بردند اما هنگامی که دانش روان شناسی در قرن نوزدهم پا به عرصه وجود گذاشت روان شناسان با کوشش فراوان در چگونگی روشها و فنون یادگیری به مطالعه و تحقیق پرداختند، و مدتها طول کشید تا بتوانند روشهای غیرموثر گذشته را بی اعتبار جلوه دهند و اصول و نظریاتی را برای یادگیری بیان کنند.

ارتباط یادگیری با نظریه ها

نظریه های یادگیری یک رشته اصول معتبر و پذیرفته ای هستند با اصول تجربی و منطقی وابستگی دارند و به توضیح عوامل و پدیده های یادگیری می پردازند.

اگر میان اصول نظری و کاربردهای عملی یک ماده آموزشی اختلافی وجود داشته باشد نظریه مربوط به آن را باید نادرست دانست، هر عمل معقول و منطقی خواه جزئی از آموزش و خواه هر گونه فعالیتی در زندگی باشد، با یک نظریه ارتباط دارد و گرنه عملی بی مصرف و نامشخص است. پس از هر عملی که مبتنی بر هدفی باشد مستلزم نظریه ای است یعنی هر کس مشغول به تدریس است و بی شک از یک نظریه یادگیری پیروی می کند. بنابراین در امر آموزشی مسئله مهم این نیست که معلم از نظریه آموزشی خود آگاهی دارد یا ندارد. بلکه مهم این است که نظریه آموزشی تا چه اندازه منطقی و کاربردی است. نخست هر مربی و پرورشکار لزوما از

یک نظر خاصی که مورد علاقه اوست پیروی می کند. نخستین گام در اجرای این موضوع آشنایی کامل با نظریه های مهم است (محمد پارسا-روان شناسی یادگیری ، ۳۹)

مبانی فرایند یادگیری در دوره ابتدایی

۱. کودک باید سائق، یا نیاز به یادگیری داشته باشد. این سائق، با نیاز نتیجه تنش اورگانیزم است که آن هم نتیجه به هم خوردن تعادل است و اورگانیزم می خواهد آن را فرو نشانند یا کاهش دهد خوشی و رضایت حالت در تأمین نیاز به فعالیت ها انگیزه د تازه به هم خوردن تعادل اورگانیزم توسل به مکانیزم های جیرانی و درد و الم و عدم تأمین نیاز - سائق

۲، برای یادگیری، توجه کودک باید به چیزی ، موضوعی، واقعه ای، پدیده ای و... جلب شده باشد

۳. کودک باید کاری را انجام دهد. (یادگیری از طریق انجام دادن و عمل کردن)

۴. کودک باید به تبع یادگیری چیزی به دست آورد (پاداش رضایت خاطر)

فصل سوم؛ مبانی جامعه شناختی برنامه درسی

اهداف رفتاری؛ انتظار می رود دانشجویان عزیز در پایان این فصل قادر باشند:

- ۱- در خصوص تغییرات روندها، فعالیت ها، و انتظارات جامعه در هزاره سوم توضیح دهند
- ۲- در مورد تاثیر روندهای اجتماعی بر وظایف اساسی مدرسه توضیح دهند
- ۳- چالش های پدیده جهانی شدن را شرح دهند
- ۴- در مورد اثرات جهانی شدن بر برنامه ریزی درسی توضیح دهند
- ۵- در خصوص لزوم توجه به نقش کودکان به عنوان شهروندان جامعه اطلاعات محور در برنامه ریزی درسی توضیح دهند

اگر قرار است برنامه درسی مدارس ابتدایی در شکوفایی توانایی ها و بهتر کردن زندگی مؤثر واقع شود باید برنامه آن متناسب با زمان، مکان و سایر شرایط اجتماعی باشد. اشتباه است تصور شود که شرایط اجتماعی در هر حال ثابت و مثل ماه ها و یا سال های گذشته خواهد بود. از این رو، زئوس کلی برنامه مدارس ابتدایی باید بر حسب نیاز جامعه و یادگیرنده که در آن زندگی می کند تعیین شود که آن هم مستلزم توجه بیشتر هم به واقعیت های زمان معاصر است و هم توجه بیشتر به هماهنگی و سازگاری با تغییرات و تقاضای هزاره سوم بیشتر مشکلاتی که مدارس ما با آن روبه رو می شوند ناشی از عدم توجه به نوع و شرایط دنیایی است که در آن زندگی می کنیم. زمانی که تکنولوژی صدها میلیون اتومبیل تولید می کرد، ما در تشخیص این که به آزادراه های بهتر و ایمن تری نیاز داریم کوتاهی کرده ایم. زمانی که تکنولوژی، انقلابی در کشاورزی، زراعت، تولید محصولات گوناگون کشاورزی به وجود می آورد و خانواده های کشاورزان به سوی شهرها هجوم می آورند، ما به کندی در جهت تأمین خدمات شهری، ساخت مدارس، مراکز بهداشتی و بیمارستان ها، راهها و خیابان ها، توسعه لوله کشی آب و تأمین آب آشامیدنی برای حاشیه شهرها، لوله کشی گاز و مدرنیزه کردن خدمات آتش نشان خدمات مربوط به امنیت شهروندان حرکت می کردیم

زمانی که تکنولوژی دهها میلیون وسایل الکترونیک خدمات آتش نشانی در شهرها، و توسعه ابزارالکترونیکی و دیجیتالی و صوتی تولید می کرد، ما با دریافت اموا بادهای اجتماعی در کاموثر گرفته تا وسایل ارتباط جمعی و تصویری و صوتی تولید می کرد و ما به کندی ایستگاه های ویژه برای ارسال امواج و یا دریاف الکترو مغناطیسی برپا می کردیم. خلاصه مردم و نهادهای اجتماعی در تشخیص این که نمی توان بدون توسعه هماهنگی خدمات دولتی و غ متناسب با افزایش تغییرات سریع و افزایش فرصت های آموزش و ی ا برای مردم و رهایی از افزایش چند صد برابر انرژی سرانه مورد نیاز و غیره کوتاهی داشتند

اکنون، این تصور که روندهای اجتماعی بر وظایف اساسی مدرسه تأثیرگذار است، در طول حداقل سه دهه اخیر مورد پذیرش مسئولان کشور قرار گرفته است. امروزه مربیان تعلیم و تربیت و برنامه ریزان توجه جدی به مسائل برنامه ریزی درسی و این که اصول آن باید مبتنی بر واقعیت های اجتماعی باشد توافق کرده اند و به آن توجه دارند.

ما در این قسمت می توانیم تصویر جامع و کاملی از جامعه خودمان ارائه دهیم تنها به بعضی روندها و چالش هایی که برنامه ریزان درسی با آن مواجه هستند اشاره می کنیم. راسخ در مقاله ای تحت عنوان «چالش های روی آموزش و پرورش و برنامه ریزی درسی در قرن بیست و یکم» به چالش جهانی که خارج از دنیای آموزش و پرورش هستند، و چالش های درون سیستم آموزش و پرورش، منطقه ای می پردازد.

در مورد چالش های جهانی به هشت موردی که برنامه ریزان درسی پاسخگو باشند اشاره می کند و فعالیت هایی از این قرار را برای پاسخ هر یک از آنها پیشنهاد می کند (تقی پورظهير، ۱۴۰۰)

۱- جهانی شدن به تبع آن وابستگی همه ملت ها به یکدیگر در این مورد به یادگیری یک زبان بین المللی، تاریخ و جغرافیا و تمدن جهانی، دانش درباره کامپیوتر و دسترسی به اینترنت، و آشنایی نحوه زندگی با دیگران در صلح، و احترام به تفاوت های فرهنگی را ضروری می داند

۲. در مورد آهنگ سریع رشد علمی و تکنولوژی به ویژه در حوزه اطلاعات و ارتباطات و زیست شناسی می نویسد آهنگ سریع پیشرفت علمی و تکنولوژی ضرورت بازبینی و به روز کردن برنامه درسی را ایجاب می کند. هم چنین در سازمان برنامه های درسی بازآموزی معلمان علوم مرتبه باید تجدید نظر شود

۳. در مورد تغییر شکل اساسی در حوزه کار و استخدام مطالبی دارد که در جای دیگری بحث آن خواهد آمد.

۴. در مورد چالش های مربوط به افزایش نابرابری های اجتماعی، که به افزایش شکاف بین کشورها بر حسب ثروت و درآمد و دسترسی به خدمات اجتماعی انجامیده است، همچنین به مسئله مهم توزیع نابرابر دانش بین ملت های توسعه یافته و در حال توسعه پرداخته است و به انحصار کیفیت آموزش و پرورش در مالکیت کودکان خانواده های ثروتمند اشاره می کند راه حل هایی از قبیل جبران ضعف مدارس در آموزش علوم، ایجاد فرصت های برابر در آموزش علوم دارای اپرستیزه و تکنولوژی و تحقیقات برای دختران و پسران فراهم آوردن امکان آموزش های فنی و حرفه ای برای دانش آموزانی که از نظر تحصیلی پیشرفت خوبی ندارند.

در قسمت ۵ و ۶، علاوه بر اشاره به رشد مردم سالاری و حقوق انسانی، به گفت و گوی تمدنها و تعامل فرهنگ های مختلف در جهانی شدن تمدن تأکید دارد. به زعم وی برنامه درسی مدارس می تواند نقش مهمی در تعامل و ارتقای گفت و گوی تمدنها به طور سازنده ایفا کند.

۷. به تغییرات شدید در همه شئون زندگی، در نتیجه عدم اطمینان در زندگی اجتماعی، احساس عدم امنیت که گاهی به افسردگی (دپرسیون) و در مواقعی به خشونت می انجامد هشدار می دهد

۸. سرانجام به کاهش اخلاقیات (در جهان) و نیاز مبرم به تجلیل جان ارزش های اخلاقی در سیاست، کسب و کار و تجارت، زیستش پزشکی، روزنامه نگاری و غیره اشاره می کند و می گوید که برنامه ریزان باید جای مناسبی را به آموزش ارزش ها در برنامه درسی اختصاص دهند طریق ارائه برنامه های اخلاقی مؤثر در همه موضوع های درسی نسبت به جا تعارضات اجتماعی و کاهش تخلف و بی حرمتی اقدام کنند. او در مدارس در جامعه جایگاه ویژه ای را در برنامه درسی برای ارزش های زیر پیشنهاد می کند. به زعم وی بیشتر این ارزش ها مانند احترام به کرامت انسانی، احترام به زندگی، رعایت حال دیگران، تحمل دیگران و ملایمت با آنها، درک بهت فرهنگ دیگران باید در برنامه درسی مدارس قرار گیرند. (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

در مورد امنیت انسانی کاتی باجپایی به هفت ارزش ویژه امنیت انسانی به شرح زیر اشاره می کند: (۱) امنیت اقتصادی بر خورداری افراد از درآمد پایه، اشتغال درآمدزا، (۲) امنیت غذایی: دسترسی به غذا به واسطه دارایی و شغل، (۳) امنیت سلامتی، رهایی انسان از امراض مختلف و بیماری های کشنده، دسترسی به خدمات درمانی، (۴) امنیت زیست محیطی: پاکی زمین، هوا و آب، (۵) امنیت فردی: رهایی انسان از خیانت، خشونت، به ویژه رهایی زنان و کودکان که آسیب پذیرند، (۶) امنیت اجتماعی که به حرمت فرهنگی، آرامش و صلح درون جامعه و اطلاق می شود، (۷) امنیت سیاسی: حمایت از انسان در برابر نقض حقوق بشر. (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

باجپایی مخاطراتی که موارد فوق امنیت انسانی را تهدید می کنند به این صورت بیان می کند: تهدیدهای امنیت اقتصادی: کمبود فرصت های شغلی سودمنده، کمبود اشتغال ارزشمند، فقدان شبکه سلامت با پشتوانه من عمومی، تهدیدهای امنیت غذایی کمبود دسترسی به غذا به دلایل خاص مانند برخورداری ناکافی از ثروت و درآمد، تهدیدهای امنیت سلامت: بیماری های مسری، بیماری های دستگاه گردش خون، سرطان، کمبود آب سالم، آلودگی هوا، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، تهدیدهای امنیت زیست محیطی: افزایش آلودگی آب، تخریب زمین های زراعی، جنگل ها، گسترش بیابان ها، آلودگی هوا، تهدید امنیت فردی: جرایم خشونت، قاچاق مواد مخدر، خشونت و سوء استفاده از زنان و کودکانه تهدیدهای امنیت اجتماعی: فروپاشی خانواده ها، نابودی فرهنگ ها، تبعیض نژادی و قومی، نسل کشی و نژاد زدایی، تهدید امنیت سیاسی: نقض سازمان یافته و هدفمند حقوق بشر، و در آخر تغییر خط مشی های ملی و فراملی با تمرکز بر نیازهای اساسی، اشتغال بهینه و سودمند، تأکید بر موازین حقوق بشر، دیپلماسی و توسعه بازدارنده (تهدیدها)، اصلاحات در نهادهای بین المللی را ضامن تحقق و پایداری امنیت انسانی معرفی می کند.

علاوه بر موارد یاد شده، برخی از روندهای مهم اجتماعی از این قرارند: همبستگی جوامع به یکدیگر، تغییر شرایط و شکل زندگی خانوادگی تغییرات جمعیتی و قشربندی های اجتماعی، خلاقیت و نوآوری ها، تغییر روابط بین المللی، رابطه دولت با سایر نهادهای اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی، تأکید بر مفاهیم شهروندی مسئولیت ها و حقوق شهروندی، و سرانجام چالش های مربوط به استفاده از اوقات فراغت. (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

فصل چهارم؛ نظام ارزشها و برنامه درسی

اهداف رفتاری؛ انتظار می رود دانشجویان عزیز در پایان این فصل قادر باشند:

۱- کارکردهای اجتماعی نهاد آموزش و پرورش را نام ببرند

۲- ویژگی های اهداف آموزش و پرورش را ذکر نمایند

۳- منابع اهداف برنامه های درسی در آموزش و پرورش را نام برده و در مورد هر یک توضیح دهند

۴- در مورد هدف کلی و اهداف رفتاری در برنامه درسی شرح دهند

۵- اهداف ویژه برنامه درسی دوره ابتدایی را نام ببرند

۶- اهداف شناختی، عاطفی و روانی حرکتی در برنامه درسی پایه های مختلف ابتدایی ایران را نام ببرند

آموزش و پرورش یک نهاد اجتماعی است و دارای کارکردهای اجتماعی می باشد، این کارکردها از این قرارند: مشارکت در جامعه پذیر کردن کودکان، انتقال فرهنگ و غنی تر کردن آنها، مشارکت در آماده کردن کودکان برای زندگی بزرگسالان، کمک به حفظ یکپارچگی جامعه، و باری به رشد شخصی افراد و اجتماع هدف های آموزش و پرورش در جوامع با سیستم های متفاوت مدیریتی، به صورت مختلفی تعیین می شوند. در جوامعی با مدیریت متمرکز معمولاً نهادی برای تعیین و بیان هدف ها به وجود می آید. در این نهاد هدفهای آموزش و پرورش در راستای مسیری که کل نیروهای جامعه به سوی هدایت می شود تعیین و به روشنی بیان می شوند. برنامه درسی نیز به طور ویژه ای که در تحقق این هدف ها سهم مؤثری داشته باشد طراحی می شود.

در جوامع با سیستم مدیریتی غیرمتمرکز، که مشارکت همه اقشار را می طلبد. هدفهای آموزش و پرورش با مشارکت گروههای مختلف و والدین، کارگزاران نهادهای دولتی و غیر دولتی، سازمان های دیما رسانه های ارتباط جمعی، سازمان های دینی، اقتصادی، و با در نظر گرفت ایده آل ها و تفکرات آنها تعیین می شوند گاهی هم هدف های آموزش و پرورش به وسیله منابع درون سیستم آموزش و پرورش تعیین می شوند. از این منابع می توان از معلمان، مربیان مدیران سازمان های آموزشی مناطق، مدیران مدارس، برنامه ریزان درسی، و در موارد نادری هم از دانش آموزان نام برد. تاثیر هر یک از سیستم های مدیریتی و سایر منابع در زمان های مختلف متفاوت است و بستگی به شرایط و اوضاع داخلی و خارجی آموزش و پرورش دارد هدفهای آموزش و پرورش به وسیله هر منبع و گروهی تعیین شود باید حداقل دارای ویژگی های زیر باشند

۱. جامعه، یا حداقل بخش مهمی از جامعه، هدف ها را تأیید کند.

۲. هدف ها باید مرتبط با نیازها و متناسب با شرایط توسعه اجتماعی و تکنولوژی پیشرفته باشند.

۳، هدفها باید قابلیت اجرایی (قابلیت آموزش) داشته باشند، به این معنا که هدف ها باید در چارچوب توانایی های یادگیری دانش آموزان باشند.

۴، هدفها باید به صورت رفتاری بیان شوند، یا حداقل به طوری که نتایج آنها قابل مشاهده و سنجش باشد بیان شوند.

۵، هدفها باید به صورت توسعه مستمر و پیش برنده و در راستاد مراحل رشد و توسعه یادگیرنده در نظر گرفته شوند نه فقط به عنوان نقطه پایانی

به طور کلی، ماهیت و کارکردهای هدف های آموزش و پرورش به این صورت بیان شده است: (۱) هدفها جهت گیری آموزش و پرورش را به صورتی مطلوب برای رشد و توسعه کودکان است نشان می دهد. (۲) هدفها مبنایی برای انتخاب تجارب یادگیری فراهم می آورند. (۳) هدف ها، شیوه های آموزش و چگونگی تعامل معلم و دانش آموز را مشخص می کنند. (۴) هدفها املاک و معیارهایی هستند برای ارزشیابی از فعالیت های آموزش و پرورش و بازده

منابع هدفهای برنامه درسی

تاریخ آموزش و پرورش، فلسفه آموزش و پرورش، جامعه شناسی، و روان شناسی منابع گرانبهایی هستند که می توان از مطالعه آنها اطلاعات و راهنمایی های سودمندی برای تدوین هدف های آموزش و پرورش به طور کلی، و برای تدوین برنامه درسی به طور ویژه به دست آورد. مثلا، از هدف های ناشی از تاریخ آموزش و پرورش می توان: حفظ و نگهداری رسوم استانداردهای اخلاقی و سنت های جامعه، مهارت ها و دانش مورد نیاز برای معیشت و زیستن، احترام به بزرگسالان، آموزش احکام دینی و ارزش ها، حفظ هویت ملی و فرهنگی و غیره را نام برد

هدف های منبع از فلسفه آموزش و پرورش شامل: توسعه روش های تفکر، داوری های مبتنی بر منطق و شواهد و تجارب علمی، توسعه توانایی تجزیه و تحلیل، روشن کردن ایده ها و قبول ملاکها و منابع دانش و

خرد برای ارزشیابی ارزش ها و زیباشناسی و اخلاقیات، رشد شخصیت فردی، توسعه منش هماهنگ با خانواده، مدرسه، و جامعه، شناخت جهان و کشف پدیده های طبیعی و اجتماعی، و تسلط بر واقعیت هاست هدف های ناشی از بررسی جامعه شامل: تفکر منطقی درباره مسائل و واقعیت های اجتماعی، عوامل مؤثر در توسعه جامعه مانند تکنولوژی، حفظ و گسترش زبان و هویت ملی، ارزش ها و نگرش های جامعه و ارزش کار است

هدف های ناشی از مطالعه روان شناسی (رشد و یادگیری: کمی دانش آموزان در درک و فهم چگونگی یادگیری، درک و تشخیص نقاط ضعف و قدرت خودشان، تدوین برنامه درسی مطابق با مراحل رشد توسعه جسمانی، عقلانی، عاطفی و اجتماعی، سازمان دادن برنامه بر اساس نظریه های مربوط به نیازهای کودکان و وظایف رشد آنها، هم چنین تلوی برنامه درسی با دقت و مطابق با نظریه های یادگیری

هدفهای کلی و جزئی رفتاری و برنامه درسی

هدف های کلی و جزئی رفتاری یکی از مهم ترین عناصر برنامه درسی هستند. معمولاً آنچه از دانش آموزان انتظار می رود یاد بگیرند به صورت هدف بیان می شود. هدف های کلی و جزئی (رفتاری) در تحلیل نهایی، بازتابی در دیسپلین ها دارند. به عبارت دیگر، سازمان برنامه درسی به وسیله حوزه های موضوع های درسی که بازتابی از هدف ها هستند - مشخص می شود. مثلاً، هدفهای آموزش علوم، ریاضیات، خواندن و ادبیات، مطالعات اجتماعی حوزه های برنامه درسی هستند که بازتابی از هدف های کلی آموزش و پرورش می باشند. کمتر اتفاق می افتد که هدفی بازتابی غیر از برنامه درسی موضوع محور داشته باشند. زیرا کمتر کوشش بر ادغام موضوع های درسی با رویکرد میان رشته ای انجام می گیرد، یا کمتر سعی می شود برنامه درسی بازتابی در رویکرد حل مسئله ای باشد. همین طور، کمتر تلاشی برای سازمان دادن برنامه درسی حول محور مسائل اجتماعی و با نیازهای آن انجام می گیرد. البته، برنامه درسی مطالعات اجتماعی را باید مستثنی کرد. همچنین کمتر مشاهده می شود که سازمان برنامه درسی بازتابی از نیازها و علاقه های یادگیرندگان باشد (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

جهت گیری هدفها در دوره ابتدایی

تعیین و تعریف هدف ها در دوره ابتدایی، علاوه بر اصول کلی گفته شده در صفحات پیشین که هدف ها باید: الف) متناسب با مراحل رشد کودکان باشند. ب) باید مبنایی برای انتخاب تجارب یادگیری فراهم آورند، ج) مینا و ملاکی را برای ارزشیابی فراهم آورند، هم چنین علاوه بر هدف های مربوط به، ۱) برابری فرصت های آموزشی و پرورشی برای کلیه کودکان از هر جنس، نژاد، قومی و منطقه ای (به عنوان بخشی از عدالت اجتماعی) ۲) فرصت مشارکت کودکان در فعالیت های جمعی، ۳) باور کردن کودکان ۴) احترام به ارزش و کرامت انسانی کودکان، ۵) فرصت های یادگیری برای آزاد زیستن، ۶) همکاری با دیگران،

هدف های ویژه دوره ابتدایی در چهار گروه به شرح زیر بیان شده است:

۱. هدف تحقق ذات (خود شکوفایی) شامل: کسب مهارت در سخن گفتن، خواندن، نوشتن به زبان (فارسی)، حل مسائل شمارشی و حساب کردن، مهارت در گوش دادن و مشاهده کردن، درک واقعیت سلامت و بیماری، عادات بهداشتی، و استفاده از اوقات فراغت

۲. هدف روابط انسانی شامل: احترام پر انسانیت انسان، همکاری، ارج گذاری به سرزمین مادری و میراث فرهنگی، و روابط دموکراتیک.

۳. هدف اقتصادی شامل: اطلاعات مربوط به مشاغل، انتخاب شغل، ارج گذاری به کار و کار کردن در جامعه، تعیین استاندارد مصرف برای تنظیم هزینه های خود کسب و آگاهی و مهارت در خرید

۴. هدف مسئولیت های مدنی شامل: مهارت در داوری های اجتماعی، فعال در اصلاح شرایط عدم رضایت و خشنودی، دانستن ساختار و فرایندهای اجتماعی، کسب مسئولیت های شهروندی

سرانجام ۱) معلمان و مربیان آموزش و پرورش تعهد ویژه ای دارند که به افراد و والدین در درک و ارج گذاری به مقاصد آموزش و پرورش ابتدایی کمک کنند

۲. هدف های آموزش و پرورش در هر دوره و سطح آم هدف های کلی آموزش و پرورش کشور نشات می

گیرند

۳ هدف های مدارس ابتدایی باید با زندگی کودکان سازگاری داشته باشند

۴. بیان هدف ها در مدارس ابتدایی باید: الف) کاملا روشن، ب) محدود به به آنهایی (هدف هایی) باشند که مدارس ابتدایی مسئولیت تحقق آن دارند ج) مورد درک و پذیرش معلمان، دانش آموزان، و والدین د) بازتابی از نیاز جامعه، هم چنین توانایی ها و علاقه های کودکان باقی ها دارای انسجام و مرتبط به هم باشند و همدیگر را تقویت کنند، و) قاب ارزشیابی باشند. (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

اهداف آموزش و پرورش در دوره ابتدایی

بر اساس طرح نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۷ و در جهت اهداف کلی نظام، اهداف دوره ابتدایی در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی از طرف کمیسیون پیش دبستانی و دبستانی به شرح ذیل تعیین و اعلام شده است.

اهداف پایه اول دوره ابتدایی

الف. اهداف شناختی

۱. آموزش اطلاعات مقدماتی، بهداشتی و ایمنی
۲. آموزش خواندن، نوشتن، حساب کردن و استدلال کردن.
۳. آموزش اطلاعات ساده درباره محیط طبیعی و اجتماعی پیرامون خود
۴. یاد دادن بعضی آیات ساده و سوره های کوچک قرآن کریم

ب. اهداف عاطفی

۱. تقویت انگیزه آمدن به مدرسه
۲. علاقه مند کردن به درس خواندن و یادگیری
۳. علاقه مند کردن کودک به ارزش ها و آداب و رسوم اسلامی و میهنی و احترام گذاشتن به آنها
۴. یاد دادن کنترل عواطف و ابراز آنها به نحو مطلوب

ج. اهداف روانی - حرکتی

۱. پرورش تن و روان و حفظ سلامت جسمی و روانی و شادابی کودک.
۲. ایجاد عادت به نظم و تربیت و پرورش روح همکاری با دیگران
- ۳، ایجاد زمینه شکوفایی و رشد استعداد هنری
۴. پرورش دقت، کنجکاوی و خلاقیت.
۵. ایجاد عادات بهداشتی و ایمنی
۶. آشنایی با نماز

اهداف پایه های دوم تا پنجم دوره ابتدایی

الف. اهداف شناختی

۱. آموزش تدریجی رموز خلقت به کودک و جلب توجه او به مبدأ آن
- ۲، یاد دادن قرآن مجید در حد درست خوانی
۳. دادن اطلاعات لازم در زمینه واجبات دینی
۴. آموزش اطلاعات بهداشتی و ایمنی
۵. تقویت حس کنجکاوی دانش آموز نسبت به محیط اجتماعی و طبیعی خود و آموزش اطلاعات و مهارت های سودمند در زندگی اجتماعی و هنجارهای اجتماعی به منظور ایجاد نظم و مسئولیت پذیری در آن
۶. آشنا کردن دانش آموزان با زندگی پیامبران و ائمه معصومین (ع) در حد ممکن
- ۷، آشنا کردن دانش آموزان با قوانین و هنجارهای اجتماعی
- ۸ آموزش هنری برای پرورش استعدادهای هنری با بومی و متناسب با مقتضیات منطقه ای

۹. آموزش مطالبی که به درک موقعیت دانش آموزان از لحاظ زمان و مکان کمک کند.

ب . اهداف عاطفی

۱. احترام گذاردن به بزرگسالان

۲. علاقه مند کردن به نظم و مستولت پذیری و رعایت حقوق دیگران

۳. علاقه مند کردن دانش آموز به مطالعه

۲. علاقه مند کردن دانش آموز به فعالیت های اجتماعی و تعاون،

ج اهداف روانی - حرکتی

۱. ایجاد عادات بهداشتی و ایمنی ۲. ایجاد عادت به تعاون و رعایت حقوق دیگران ۳. آموزش عملی نماز

۴، تقویت مهارت خواندن، نوشتن، حساب کردن و استدلال کردن (به نقل از احمد صافی صفات ۵۰ و ۵۱)

سخن آخر این که تحقق هدفهای آموزش و پرورش، در تحلیل نهایی به تسلط معلمان به مفاهیم و معانی هدف ها بستگی دارد. و باید به وسیله اعضای هیئت علمی و معلمان و مشارکت برنامه ریزان بازمینی و به روشنی بیان شوند تا معلمان نسبت به نتایج فعالیت های یاددهی - یادگیری خود حساس و علاقه مند باشند. به این دلیل است که برنامه درسی مدارس پایه بر مبنای نتایج مطالعه مشارکتی معلمان و ارزش هایی که هدف ها از نقطه تربیتی و ایده آل های جامعه دارند، و با توجه به اصول راهنمای آموزش و پرورش و یافته های روان شناسی تهیه و تدوین شود. (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

فصل پنجم ؛ سازمان برنامه درسی

اهداف رفتاری؛ انتظار می رود دانشجویان عزیز در پایان این فصل قادر باشند:

- ۱- عوامل موثر بر سازماندهی برنامه درسی را نام ببرند.
- ۲- در خصوص گروه‌بندی دانش آموزان در برنامه درسی توضیح دهند
- ۳- در مورد سازمان دادن تجارب یادگیری بوسیله تدوین و توسعه طرح برنامه درسی شرح دهند
- ۴- انواع سازمان برنامه درسی را نام برده و در مورد هر یک شرح دهند
- ۵- نکات کلیدی و ضروری در سازمان دادن برنامه های درسی را ذکر نمایند

در سازمان برنامه درسی دوره ابتدایی چهار عامل مهم دخالت دارند که عبارت اند از: گروه بندی دانش آموزان، سازمان دادن تجارب یادگیری با تدوین و توسعه طرح برنامه درسی، سازمان دادن کلاس برای زندگی و یادگیری، و نقش رهبری آموزشی در بهسازی و توسعه برنامه درسی (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

گروه بندی کودکان در مدارس ابتدایی

گروه بندی دانش آموزان بر حسب معیارهای مختلف مانند سن، استعداد و یا پیشرفت تحصیلی و تدریس هر یک از گروه ها به طور جداگانه انجام می گیرد. به مزایا و محدودیت های یکی از گروه بندی دانش آموزان، که معمولاً بر حسب استعداد و توانایی های ذهنی انجام می گیرد به اجمال اشاره می کنیم:

الف. مزایای گروه بندی دانش آموزان بر اساس توانایی های آنان

۱. معلمی که با دانش آموزان توانا (از نظر استعدادهای ذهنی) کار می کند سعی می کند. با توجه به توانمندی های دانش آموزان از مواد و محتوای آموزشی مشکل تری استفاده کند و انتظار دارد دانش آموزان به سرعت از یک سطح مشکل به سطح بالاتری پیشرفت کنند. هم چنین عملکرد بهتر و بالایی را از آن ها انتظار دارد
۲. معلمی که با دانش آموزان کم توانا کار می کند سعی می کند در تدریس، با توجه به سطح توانایی آنان، از مواد و محتوای آسان تری استفاده کند و به دانش آموزان وقت بیشتری برای یادگیری و پیشرفت از یک سطح مشکل به سطح دیگر می دهد. همچنین استانداردهای واقع بینانه تری را برای عملکرد آنها در نظر میگیرد
۳. گروه بندی دانش آموزان بر حسب توانایی و استعدادهایشان فرصت های آموزشی را برای دانش آموزان با توانایی های متفاوت افزایش میدهد
۴. والدین، به ویژه والدین کودکان با توانایی های بالاتر به طور کلی موافق با جداسازی و گروه بندی دانش آموزان هستند
۵. معلمانی که ترجیح می دهند با گروه دانش آموزانی که از نظر توانایی مشابه هستند کار کنند به طور کلی با طرح گروه بندی دانش آموزان موافق هستند
۶. در گروه بندی دانش آموزان با تواناییهای همسان به ویژه گروه دانش آموز شد، فرصت بهتری دارند. در مورد رهبری گروه رقابت کنند.
۷. معلمان معمولاً در کلاس های یک دست و با توانایی های همسان بهتر می توانند کار کنند.

ب. محدودیت های گروه بندی دانش آموزان بر اساس توانایی آنان

۱، گروه بندی کودکان به دانش آموزان با هوش، متوسطه و پایین موجب کاهش تفاوت ها در پایه های تحصیلی بالاتر نخواهد بود و معلم باید آموزش های متفاوتی را برای این گروهها در یک کلاس - در نظر بگیرد

۲، طرح گروه بندی دانش آموزان موفق نخواهد شد مگر این که مواد آموزشی متناسب با هر گروه از دانش آموزان جدا گانه تهیه و تدوین شود، که امر معمولاً انجام شدنی نیست

۳. برحسب زدن بر دانش آموزان، به ویژه برای کودکان با توانایی های پایین تر در یک مدرسه، نوعی بی حرمتی به حقوق انسانی است. همچنین در یک از کودکان در گروه های مختلف باهوش، متوسط، کند، با توجه به تو چینی که دارد فکر می کند در گروه خود باید مثل سایر همگروه های باشد

۴، طرح جداسازی و گروه بندی دانش آموزان برحسب یک ویژگی، مثلاً هوش، توجه کمتری به سایر ویژگی ها و توانمندی های دانش آموزان دارد. در صورتی که شواهد نشان می دهند که دانش آموزان با نمره یکسان در آزمون هوش، تفاوت های زیادی از نظر سایر ویژگی ها از یکدیگر دارند

۵. مشکل می توان معلمی را در یک مدرسه پیدا کرد که بخواهد فقط با گروه کودکان کند - دیرآموز کار کند.

۶. والدین از این که کودکان آنها در گروه «کنده - دیرآموز - طبقه بندی می شوند اکثراً ناراحت اند و از این طرح انتقاد می کنند. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

۲. تشکیل گروههای آموزشی در مدارس ابتدایی

تشکیل گروه های آموزشی بیشتر با مسائل سازمان دادن محتوا سر و کار دارد که با مسائل گروه بندی دانش آموزان برای مقاصد آموزشی، در یک کلاس معمولی (کلاسی که تدریس بیشتر دروس یک پایه بر عهده یک معلم و در یک اتاق است) معلم می تواند محتوای برنامه را به قسمت های مختلف و مشخص مثلاً ریاضیات،

ادبیات و علوم در ساعات جداگانه و یا به صورت میان رشته ای - تنظیم و تدریس کند. در صورتی که با تشکیل گروههای آموزشی تدریس موضوع های درسی به صورت تخصصی بر عهده معلم گروه آموزشی خاصی است. به عبارت دیگر، دانش آموزان هر درس را در کلاس های اتاق های مجزا، که هر یک از آنها به تدریس موضوع خاصی مثلا ریاضی، علوم و با ادبیات تخصیص داده شده است آموزش می بینند. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

۳، مزایا و محدودیت های تشکیل گروه های آموزشی

الف. مزایای تشکیل گروه های آموزشی

۱. در برنامه های جدید، به ویژه ریاضیات و علوم بر تدریس هر موضوع مطابق با ساختار دیسپلین آن تأکید دارد. تنها معلمی می تواند تدریس کند که در آن دیسپلین (رشته علمی) تخصص داشته باشد.
۲. به ندرت معلمی یافت می شود که از نظر صلاحیت علمی در سط بسیار بالایی باشد و بتواند بیش از یک یا دو موضوع علمی را به طور اثربخش تدریس کند
- ۳، تشکیل گروه های آموزشی برای معلمان استفاده از روش های جدیدی مواد آموزشی و تجهیزات مربوط به تدریس یک یا دو موضوع را فراهم می کند.
- ۴ تهیه تجهیزات خاص برای یک یا دو اتاق آسان تر از تهیه تجهیزات خاص برای همه اتاق هاست

ب. محدودیت های تشکیل گروه های آموزشی

۱. برای معلمی که در هر دوره با گروهی متفاوت از دانش آموزان کار می کند مشکل است که همه دانش آموزان را به خوبی بشناسد
۲. معلمان فرصت کمی دارند تا به دانش آموزان در دانستن و درک روابط بین موضوع های درسی کمک کنند.
۳. این طرح معلمان را ترغیب می کند به خودشان به عنوان یک متخصص در یک رشته علمی توجه داشته باشند. بدون این که بخواهند به عنوان یک متخصص کار کردن با کودکان باشند

۴. تدریس گروهی

تدریس گروهی یکی از نوآوری های قرن بیستم است که از همکاری حداقل دو معلم شروع می شود و با مشارکت دیگر اعضای مدرسه توسعه پیدا می کند. این نوآوری نیز برای خود مزایا و محدودیت هایی دارد که برخی از آنها اشاره می کنیم: (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

الف. مزایای طرح تدریس گروهی

۱. این طرح استفاده بهتر از تجارب و صلاحیت علمی معلمان ارشد را فراهم می کند. این گونه معلمان در بهسازی و بهبود برنامه های اجرایی تأثیر به سزایی دارند.
۲. این طرح سازگاری معلمان جدید را با سیستم مدرسه، به ویژه بخش آموزش آسان تر می کند.
۳. دانشجویان تربیت معلم در مواقع کارآموزی از تجارب ارزشمند معلمانی که بیشتر از یک نفر در کلاس هستند سود می برند
۴. کار آموزش دانش آموزان هنگام غیبت یکی از معلمان بدون وقفه و بدون نیاز به معلم مونت و تا آشنا برای دانش آموزان، به طور طبیعی ادامه پیدا می کند.

ب. محدودیت های طرح تدریس گروهی

۱. موفقیت طرح تدریس گروهی به طور عمده به توانایی اعضای گروه برای کار کردن به صورت هماهنگ با یکدیگر بستگی دارد. اگر خللی و برخوردی در روابط بین گروهی ایجاد شود طرح سودمندی خود را از دست می دهد.
۲. اعضای گروه باید زمان بیشتری را برای تهیه جدول زمانی فعالیت های گروه و پروژه های فردی صرف کنند
۳. تدریس در گروه های بزرگ به رسمی تر شدن موقعیت و استفاده از روش هایی مانند سخنرانی می انجامد که در این صورت دانش آموزان فرصت طرح پرسش با مشارکت در درس را نخواهند داشت
۴. تدریس گروهی تنها زمانی در سطح بالایی از اثربخشی می تواند انجام گیرد که ساختمان اتاق و با کلاس درس و تجهیزات آن برای این مقصود طراحی و ساخته شده باشد. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

سازمان دادن تجارب یادگیری

سازمان برنامه درسی باید به عنوان وسیله ای در نظر گرفته شود که به کودکان در دستیابی به هدف های مدرسه کمک می کند، معرفی نوآوری در سازمان برنامه درسی زمانی دارای مزیت است که بین سازمان برنامه درسی موجود و هدف های پذیرفته شده مدرسه سازگاری و هماهنگی مشاهده نشود. از آنجایی که فرایند اصلاح و بهبود با تغییر هدف ها با تغییر و ارتقای سطح آگاهی برنامه ریزان و مسئولان ارتباط دارد، با تغییر و اصلاح هدف ها، کل طرح برنامه درسی باید به طور مستمر مورد مطالعه و اصلاح قرار گیرد

اصول سازمان دادن برنامه درسی

۱. اصول سازمان دادن برنامه درسی، به عنوان راهنمای عمل برنامه ریزان و مسئولان به اجمال از این قراراند.
سازمان برنامه درسی باید به هماهنگ کردن فعالیت های آموزشی و پرورشی معلمان با یکدیگر کمک کند. به عبارت دیگر، برنامه درسی چنان باید سازماندهی شود که فعالیت های معلمان متعدد که با گروهی از دانش آموزان کار می کنند به جای تکرار کار یکدیگر، مکمل همدیگر باشد
۲. سازمان برنامه درسی باید از نظر نوع و مدت زمان فعالیت های کودکان در زندگی و مدرسه روزهای کاملاً متعادل فراهم آورد. به این صورت که فرصت هایی برای مطالعه منظم موضوع های درسی در نظر گرفته می شود، و هم چنین تجاربی که باید آگاهی و فهم کودکان را توسعه دهد، نیز زمانی که برای تمرین منظم آموخته های کودکان مورد نیاز است پیش بینی شود و بین آنها تعادلی برقرار شود. یعنی، بین دوره های فعالیت های شدید با دوره های استراحت و آرمیدن تعادل ایجاد شود. همچنین، فرصت های ابراز وجود و دوره های کسب تجارب ابتکاری و خلاقیت و سازگاری با استانداردهای گروهی متعادل باشد و پیش بینی های زمان لازم برای کار کردن کودکان روی پروژه های فردی و جمعی انجام گیرد.
۳. سازمان برنامه درسی باید برای تجارب یادگیری مداومت ایجاد کند. هم چنین توالی در یادگیری تجارب نیز باید مورد توجه قرار گیرد. برای سازمان دادن برنامه درسی یافته های روان شناسی رهنمودهای با ارزشی را ارائه می کنند. به عنوان مثال: الف) یادگیری صرفاً انباشتن دانش و مهارت ها نیست بلکه یادگیری رشد است.

ب) رشد و توسعه فرایندهای متوالی و پیوسته هستند. ج) کودکان از نظر آهنگ رشد متفاوت هستند. د) یادگیری حاصل تجربه کردن است.

در سازمان برنامه درسی، به ویژه در مدارس ابتدایی عدم پابندی به اصل توالی تجارب به فراوانی مشاهده می شود. استقرار سیستم نردبانی ارتقا از یک پایه به پایه بعدی براساس تکمیل بخش هایی از موضوع ها و محتوای درسی در دوره طولانی تحصیل در مدرسه یکی از این موارد است. مثلا، خواندن تنها در مدارس ابتدایی آموخته شود. یعنی زمانی که کودکان وارد مدرسه می شوند و برای یادگیری خواندن آمادگی دارند، اما همزمان با خواندن، یادگیری اقتصاد، که به زعم برنامه ریزان موضوع درسی مشکلی است باید در دانشگاه آموخته شود. این موضوع به روشنی تناقض با اصول یادگیری، به عنوان توالی و پیوستگی رشد را نشان می دهد.

سازمان برنامه درسی چنان باید برنامه ریزی شود که به کودک کمک کند به طور فزاینده ای برنامه درسی را کسب کند و به تدریج در مواد و محتوای مشکل تر تسلط پیدا کند. هم چنین در بیان آموخته ها و ایده های خود مهارت های مؤثرتری را کسب کند. کودکان باید به تدریج از یادگیری های آشنا و عینی به سوی یادگیری های انتزاعی و غیر آشنا هدایت شوند. مثلا در توسعه مفاهیم مربوط به علوم اجتماعی از یادگیری مفاهیمی مانند وابستگی به یکدیگر، اسلوک و سازگاری با دیگران را با گروه کوچکتر و بلافصل یعنی خانواده و هم بازی ها - شروع کند و به تدریج به سوی موقعیت های پیچیده تر، مفاهیم مشکل تر، که شامل گروه های بزرگ تر می شود کشیده شود. یادگیری این گونه مفاهیم و تسلط بر آن ها در بار اول و بدون تکرار امکان ندارد باید مفاهیم در موقعیت ها و پایه های مختلف بارها و بارها در زمینه های گوناگون و بزرگتر به طور فزاینده ای از ساده به مشکل - مطرح شوند تا کودکان نسبت به آن مفاهیم تسلط پیدا کنند (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

۴. سازمان برنامه درسی باید در یادگیری وحدت و یگانگی به وجود آورد. بیشتر انتقادات از آموزش و پرورش درباره نقایص و کاستی هایی است که در رشد دانش آموزان به وجود می آورد. به عبارت دیگر، آموزش و پرورش توانایی مربوط به بررسی و یادگیری همه جانبه مسائل و پدیده ها و اتحاد آموخته ها و یکپارچه کردن آنها، کوتاه سخن، کلینگری را در افراد توسعه نمی دهد بلکه بیشتر به جهت گیری تخصصی در محتوا، مسائل و مشکلات و پدیده ها می پردازد. هم چنین انتقادات درباره توجه و علاقه بسیار زیاد برنامه ریزان پر محتوا و مسائل و مهارت های خاص است. از این رو مجریان برنامه معلمان و مدیران با دوگانگی و تعارض مواجه

هستند. به این معنا که گروهی بر تخصصی کردن پای فشاری می کنند وگی ادغام و یکپارچگی تجارب یادگیری اصرار دارند. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

در سازمان برنامه درسی در هر حوزه موضوع درسی پایدمان دیسیپلین (دانش سازمان یافته را در نظر بگیرد. انتخاب می موضوع های درسی باید به وسیله متخصصان هر یک از موضوع های انجام گیرد. مثلا معلم دوره ابتدایی نمی تواند تصمیم بگیرد چه مفاهیم با مهارت هایی در حوزه درسی ریاضیات ابتدایی مهم هستند، بلکه این مفاهیم و مهارت ها به وسیله متخصصان علوم ریاضی مشخص می شوند. نهایت این که معلم تصمیم می گیرد کدام یک از این مفاهیم و مهارت های اساسی برای کودکانی که آمادگی یادگیری آنها را دارند، می تواند به بهترین وجهی تجارب یادگیری را سازمان دهد تا دانش آموزان بتوانند مفاهیم را به طور اثربخش تر و بامعنی تر دریافت کنند

و سازمان برنامه درسی باید اصل آموزش جبرانی و تکمیلی را برای کودکان با استعداد های مختلف در نظر بگیرد. در برنامه ریزی مؤثر تجارب یادگیری، کمبودها و کاستی های یادگیری کودکان باید به طور منظم تحلیل شود. به ویژه سازگاری برنامه درسی برای کودکان با فرهنگ ها و ژیانهای مختلف، هم چنین سازگاری برنامه با توانمندی های متفاوت کودکان باید در نظر گرفته شود. از این رو، تجارب یادگیری باید به طور سیستماتیک مطابق گونه گونی فرهنگ، زبان، و توانمندی های کودکان از نظر سرعت و اهنگ یادگیری طراحی و ارائه شوند. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

انواع سازمان برنامه درسی

سازمان برنامه درسی شامل طرحهای گوناگونی است که به گوناگونی است که به بعضی از آنها به اجمال اشاره می شود.

۱. سازمان دادن برنامه درسی موضوع های درسی جدا از هم نوعی از سازمان دادن برنامه درسی است که همه بزرگسالان با این نوع سازمان آشنایی دارند. در این نوع سازمان برنامه درسی تجارب یادگیری گسسته، بی ارتباط با زندگی، وقت تلف کن، انباشتن مطالب، و نابهنگام است. به این مناسبت است که در مدارس ابتدایی کودکان باید حداقل ده تا دوازده موضوع درسی را یاد بگیرند. این موضوع ها شامل: خواندن، نوشتن، زبان

(فارسی) ریاضیات (حساب، هندسه)، علوم اجتماعی، تاریخ و جغرافیا)، بهداشت، علوم تجربی (مطالعه طبیعت)، تعلیمات دینی، کاردستی، ورزشی و غیره محتوای این دروس متعدد معمولاً بر مبنای منطقی، و بدون توجه به علاقه‌ها و توانمندی‌های کودکان تعیین و سازماندهی می‌شود و کودکان ناگزیر از حفظ کردن محتوا، بدون تسلط به معنا و مفهوم آنها هستند، به این دلیل است که رهبران و مربیان آموزش و پرورش پیوسته خواستار بررسی و سازمان‌دادن مجدد و بنیادی برنامه درسی بوده و هستند.

۲. سازمان‌دادن برنامه درسی به صورت چند رشته‌ای در این نوع سازمان‌دادن آموزش یک موضوع با یک عنوان مشخص با استفاده از دروس متعدد و در ارتباط با موضوع انجام می‌گیرد. به این صورت که یک عنوان در نظر گرفته شده با استفاده از دروس گوناگون به طور همه‌جانبه و در کلیت خود ارائه و تدریس می‌شود. مثلاً در آموزش شهروندی» از مجموعه دروس جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، بهداشت فردی (جمعی) علوم تجربی، تعلیمات دینی و اخلاق، تربیت بدنی، آموزش حرفه‌ای، علوم اجتماعی و سیاسی حقوق فردی، اجتماعی) و غیره استفاده می‌شود.

۳. سازمان‌دادن برنامه درسی مرتبط به هم با میان رشته‌ای در این نوع سازمان‌دادن موضوع‌ها و عناوین درسی نزدیک به هم ترکیب و به صورت یکپارچه و متحد برای تدریس و یادگیری بهتر با عناوین و موضوع‌های وسیع ارائه می‌شود. مثلاً کاردستی، موسیقی و سرود، ورزش بهداشت را می‌توان به صورت یک درس تحت عنوان هنر و تربیت بدنی هم ترکیب و تدریس کرد

۴. سازمان‌دادن برنامه درسی فرارشته‌ای در این نوع سازمان‌دادن برنامه و معمولاً رشته‌های علمی (دیسپلین‌های خاصی در نظر گرفته نمی‌شود. در این سازمان‌دادن محتوای آموزشی موضوع‌های وسیع‌تر مثلاً مسایل اجتماعی، تقریباً از بیشتر دیسپلین‌ها (دانش‌های سازمان‌یافته بشری در زمینه‌های اقتصاد، فلسفه، فرهنگ، سیاست، ریاضیات روان‌شناسی، علوم اجتماعی، تعلیمات دینی و علوم تجربی و غیره استفاده می‌شود

سازمان دادن کلاس برای زیستن و یادگیری

برنامه ریزی مشتمل بر انواع فعالیت های متعدد است. برنامه ریزان همراه با کادر آموزشی مدرسه از یک سو، نتایج تحقیقاتی را که با عوامل مؤثر در یادگیری سر و کار دارند و امکان کاربرد آنها را در فرایند یاددهی - یادگیری بررسی می کنند، فنون کسب آگاهی بیشتر درباره کودکان را آزمایش می کنند روندهای جامعه امروزی را تجزیه و تحلیل می کنند، و تحقیقاتی را درباره اجتماع محلی انجام می دهند. از سوی دیگر فهرستی از هدف های تربیتی را تنظیم می کنند. مواد آموزشی را ارزشیابی، و راهنمای برنامه درسی را آماده، و روش های طرح کلی برنامه درسی را تدوین می کنند. این فعالیت ها صرفاً وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدف، هستند، هدفی که قصد آن بهسازی و ارتقای زیستن و یادگرفتن در کلاس درس است. به عبارت دیگر، مبنای اصلاح و بهسازی واقعی برنامه درسی کلاس درس است

با توجه به اینکه برنامه درسی سنتی با روش های تدریس سنتی - حفظی، سخنرانی و غیره که رشد طبیعی و روانشناختی کودک را تسهیل نمی کرد، آنها را برای دنیایی که باید در آن زندگی کنند آماده نمی کرد. برنامه ریزان در سی و مریبان به فکر تشویق معلمان به استفاده از روش های حل مسئله، آموزش از راه «پروژه»، و سایر روش های توسعه تفکر، خلاقیت و نوآوری و رشد همه جنبه های جمانی، عقلانی، اجتماعی و عاطفی کودک افتادند. اما با وجود این همه روش های آموزشی پیشرفته و این همه گفتار درباره عدم اثربخشی روش های آموزش سنت معلمان برای استفاده از روش های فعال، تدریس گروهی، آموزش از راه تلویزیون، کامپیوتر، سایر وسایل الکترونیکی مانند پاور پوینت، لپتاپ و کمک دانشمندان فرآحرفه ای، مدتهاست دو عنصر اصلی یعنی معلمان و روش های آموزشی - تقریباً بدون تغییر مانده است. اگر هم تغییراتی گاه گاهی مشاهده می شود، در مقایسه با سایر پیشرفت ها و نوآوری ها، بسیار اندک است. به رغم این همه نوآوری ها، هنوز معلم تنها فرد مسلط بر موقعیت تدریس تلقی می شود. مجموعه دانش حرفه ای معلم، مهارت، تعهد، بصیرت، تجربه، ارزش ها، نگرش ها، ترس ها آرزوها و سایر ویژگی های با ارزش فردی، از معلم یک «گشتالت» ساخته است که رویدادهای آموزشی را ساخته و پرداخته می کند و بر کلیه فرایندهای آموزشی و یاددهی نفوذ دارد. از این رو، تلاش برنامه ریزان بر این است که مسئولان مدارس و معلمان را ترغیب کنند از روش های پیشرفته تری که مبتنی بر تازه های روان شناسی یادگیری، ارزش های متعالی جامعه، و هدف های کلی آموزش و پرورش است در فرایندهای یاددهی - یادگیری استفاده کنند.

الف. اصول روش های آموزش مبتنی بر تازه های روان شناسی یادگیری

۱. روش آموزش باید از علاقه و دلبستگی فعلی دانش آموزان سود جوید و توسعه علاقه های بعدی را در آنان برانگیزد.

۲. روش آموزش باید دانش آموزان را برای برقراری هدف های ارزش درباره آن چه که باید انجام دهند تشویق کند.

۳. روش آموزش باید پیش بینی های لازم را درباره تفاوت های فردی در توانایی ها، علاقه ها و زمینه قبلی دانش آموزان انجام دهد

۴. روش آموزش باید از فرصت های مربوط به استفاده از مواد واقعی برای یادگیری سود جوید

۵. روش آموزش باید برای توسعه مهارت های اساسی از موقعیت های معنادار استفاده کند

۶. روش آموزش باید تجاربی را که با سطح رشد و پختگی کودکان ارتباط نزدیک دارد، فراهم آورد.

۷. روش آموزش باید فرصت هایی را برای توسعه توانایی های نهفته خلاقیت دانش آموزان تهیه کند

۸. روش آموزش باید بازتابی از درک مفهوم وسیع یادگیری به عنوان تغییر و اصلاح رفتار باشد.

ب. اصول روش های آموزش مبتنی بر ارزش های متعالی جامعه

۱. روش آموزش باید همکاری معلم به دانش آموز را در برنامه ریزی، اجرا، ارزشیابی و پیش بینی کند

۲. روش آموزش تعادل و توازنی را بین آزادی یادگیرنده و راهنمایی معلم برقرار کند

۳. روش آموزش باید براساس مشارکت دانش آموز برای حل مسائل برخاسته از ارتباط با زندگی مدرسه ای تدوین شود

۴. روش آموزش باید فرصت هایی را برای دانش آموز در توسعه مهارت های لازم در فرایندهای گروهی فراهم سازد.

۵. روش آموزش باید فعالیت دانش آموز را از طریق استفاده از تأیید گروه برانگیزد

۶. روش آموزش باید فرصت هایی را برای دانش آموزان فراهم آورد تا بتوانند تصمیماتی را اتخاذ کنند و مسئولیت هایی را بپذیرند .

۷. روش آموزش باید توسعه ی تدریجی خود _ رهبری را در دانش آموزان پیش بینی کند.

ج. اصول روش های آموزش مبتنی بر هدفهای کلی آموزش و پرورش است

۱. روش آموزش باید با توجه به همه جنبه های رشد کودک تدوین و ارزشیابی شود

۲. روش آموزش باید برنامه متعادل تری از فعالیت ها را برای دانش آموزان تدارک ببیند

۳. روش آموزش باید به سازگاری کودک با اجتماع محلی، کشور، و جهان کمک کند.

۴. روش آموزش باید امنیت و رضایت خاطر دانش آموز را تأمین و ارتقا دهد .

۵. روش آموزش باید بازتاب درک این موضوع باشد که مهارت های اساسی وسیع تر از مهارت های سه گانه خواندن، نوشتن و حساب کردن است

۶. روش آموزش باید بازتاب درک این موضوع باشد که آموزش مهارت های خواندن، نوشتن، و حساب کردن باید دربر گیرنده رشد نگرش ها، ارج گذاری ها دانستنی ها، دانش و مهارت های دیگر باشد.

۷. روش آموزش باید زمینه رشد هوش منطقی را در کودکان فراهم آورد

فصل ششم؛ حوزه های برنامه درسی مدارس ابتدایی

اهداف رفتاری؛ انتظار می رود دانشجویان عزیز در پایان این فصل قادر باشند:

- ۱- حوزه های مورد مطالعه برنامه درسی مدارس ابتدایی را نام ببرند
- ۲- نکات مهم در خصوص مهارتهای زبان در برنامه درسی مدارس ابتدایی را تبیین نمایند
- ۳- نکات مهم در خصوص مطالعات اجتماعی در برنامه درسی مدارس ابتدایی را تبیین نمایند
- ۴- نکات مهم در خصوص ریاضیات در برنامه درسی مدارس ابتدایی را تبیین نمایند
- ۵- نکات مهم در خصوص علوم تجربی در برنامه درسی مدارس ابتدایی را تبیین نمایند
- ۶- نکات مهم در خصوص بهداشت و تذبیت بدنی در برنامه درسی مدارس ابتدایی را تبیین نمایند
- ۷- نکات مهم در خصوص هنرهای زیبایی در برنامه درسی مدارس ابتدایی را تبیین نمایند
- ۸- نکات مهم در خصوص تعلیمات دینی و اخلاق در برنامه درسی مدارس ابتدایی را تبیین نمایند
- ۹- نکات مهم در خصوص فناوری در برنامه درسی مدارس ابتدایی را تبیین نمایند

حوزه های مورد مطالعه برنامه درسی مدارس ابتدایی شامل: مهارت های زبان، مطالعات اجتماعی، ریاضیات، علوم تجربی، بهداشت و تربیت بدنی، هنرهای زیبا، تعلیمات دینی و اخلاق، و فناوری (تکنولوژی) است .

مهارتهای زبان

نیاز به برقراری ارتباط با دیگران از سنین پایین کودکی ظاهر می شود و اهمیت آن روز به روز که کودک به عنوان عضوی از گروه بزرگ تر و پیچیده تر اجتماعی در می آید بیشتر می شود. توانایی استفاده مؤثر از زبان پیش نیاز درک دیگران و همکاری کردن در همه سطوح روابط اجتماعی است. هم چنین زبان ارتباط تنگاتنگی با تفکر و رفتار کودک دارد و عامل مهمی در توسعه شخصیت کودک می باشد. از آن جایی که زبان در همه

مراحل برنامه های مدرسه مورد استفاده قرار می گیرد به عنوان عامل اصلی و حلقه اتصالی است که بخش های مختلف برنامه های درسی مدرسه را به یکدیگر پیوند می دهد.

برنامه درسی مدارس ابتدایی پیشرفته بر روخوانی کلمات و نوشته ها بدون درک معانی آنها کمتر تأکید می کند و بیشتر بر به کار بردن زبان در موقعیت های معنی دار برای کودکان تأکید می کند

فعالیت های مربوط به یادگیری زبان با تجارب روزانه کودکان ارتباط داده می شود و بر اساس توانایی و علاقه مندی آنها است. هم چنین برنامه های آموزش مهارت های مربوط به زبان به طور کلی با سایر برنامه های مدارس مرتبط است (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

ویژگی های عمده برنامه جدید مهارت های زبان

توسعه توانایی های زبان در مدارس ابتدایی نباید شانسی و اتفاقی باشد بلکه باید برنامه ریزی با چنان دقتی طراحی شود که هر کودک با توجه به امکانات خود به حد کافی بتواند مهارت های زبان را در موقعیت های گوناگون به کار برد. برنامه یادگیری و آموزش مهارت های زبان معمولاً به دو صورت انجام می گیرد. وجه اول یادگیری بر اساس فعالیت های روزانه به طور طبیعی و بدون مقاصد از پیش تعیین شده است. در وجه دوم یادگیری مهارت های زبان به طور نظام مند در یک دوره معینی و بر اساس مقاصد از پیش تعیین شده و به طور آگاهانه برنامه ریزی و اجرا می شود (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

هدفهای کلی آموزش و مهارت های زبان

بین برنامه ریزان، معلمان، و والدین در مورد آموزش درست و خوب خواندن، با دقت گوش فرا دادن، به روشنی سخن گفتن، درست و یافت نوشتن توافق همگانی وجود دارد. هرچند، احتمالاً بیشتر معلمان و نمی دانند چه عامل با عواملی در خوب خواندن، درست نوشتن، و سایر مهارت های زبان دخالت دارند. مثلاً ممکن است گفته شود خواندن مستلزم چیست؟ خوب خواندن متلزم چیزی است که از روخوانی تلفظ کلمات است

خوب خواندن مستلزم توانایی درک چیزی است از که خوانده می شود. همچنین، مستلزم توانایی استفاده از شاخص ها (نمادها)، علام، جداول دارای محتوا توانایی مرور سطحی و سریع مواد خواندنی، و توسعه نگرش های مطلوب نسبت به مطالب خواندنی، و توانایی کسب اطلاعات مورد نیاز از منابع معتبر و مانند آن است.

هم چنین تفاوت زیادی بین یادگیری بخش کردن کلمات، باعادت استفاده درست از بخش کردن کلمات درست نوشتن کلیه کارهای مربوط به نوشتن در درس روزانه مدرسه و سایر جاها وجود دارد. معلمی که هدف های کلی مثلا، بخش کردن کلمات را بداند فرصت های زیادی را برای کودکان جهت یادگیری بخش کردن کلمات، در نتیجه درست نوشتن را در بیشتر حوزه های برنامه درسی فراهم می کند. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

درک درست و روشن از نتایج مورد انتظار برون دادهای یادگیری به طور قطع، مرحله مهمی در طرح ریزی برنامه آموزش مهارت های زبان است برنامه درسی و کاربردی را نمی توان به درستی تدوین کرد مگر توجه ویژه ای به بخش هایی از زبان معطوف شود که در رشد و توسعه کودک نقش مؤثری ایفا می کنند، نقشی که در توفیق روش زندگی ما مؤثر است. در پرتو استفاده از زبان است که کودک از دوره «خودمحوری» به موجودی اجتماعی تغییر می کند و توانایی مشارکت در زندگی اجتماعی را در خود توسعه می دهد. بخشی از توفیق همشهری بودن به توانایی شهروند در برقراری ارتباط آزادانه، توأم با احترام متقابل با دیگران بستگی دارد، برنامه های آموزش مهارت های زبان که به طور هوشمندانه طراحی شده اند. نه تنها به کسب تسلط در مهارت های گوناگون زبان توجه دارد، بلکه به استفاده از مهارت های زبان هم در موقعیت های معنادار، جایی که به حل واقعی مسائل نیاز است، توجه دارد. به طور کلی، آنچه در برنامه ریزی اهمیت دارد مشارکت مؤثر گروههای مختلف و درگیر کردن افرادی است که زیر پوشش برنامه قرار می گیرند و یا در نتایج برنامه ذینفع و یا به بازده آن علاقه دارند. از آن روست که در برنامه آموزش زبان، درک و فهمیدن، ارج گذاری، توسعه نگرش ها و علاقه ها هم چنین توسعه دانش و مهارت ها به شدت مورد توجه قرار میگیرد (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

برنامه ی درسی برای توسعه یادگیری مهارت های زبان

آموزش مهارت های زبان به طور کلی شامل: الف) آموزش محتوای کتاب های درسی پایه و رسمی در خواندن متون و موضوع های مربوط به کسب اطلاعات و مهارت های لازم برای زندگی در هزاره سوم با استفاده از مواد خواندنی، کتاب های داستانی، مجله ها، کتاب های کتابخانه مدرسه، روزنامه ها، نمایشنامه ها،

کتاب های تمرین ، کتاب های داستانی مصور، اشعار، لغت نامه ها، به ویژه لغت نامه های مصور و فرهنگ های کودکان، گزارش های پوسترها، و وسایل ارتباطی و ابزارهای تکنولوژیک

ب) آموزش درک مفاهیم با استفاده از رسانه های گروهی به ویژه روزنامه ها، مجله ها، کارتون ها، پوسترها، وسایل صوتی و تصویری

تلویزیون، وید، نوه رادیو، لوح های فشرده، و نرم افزارهای کامپیوتری و شبکه های اطلاعاتی که شامل موضوع سخنرانی ها، گزارش های خبری تبلیغات و نمایشنامه ها هستند انجام می گیرد

ج) آموزش توجه و تسلط تدریجی به ساختار زبان از نظر قواعد و دستور زبان، آموزش چگونگی سخنرانی، نوشتن (انشا)، آموزش چگونگی استفاده از قواعد نوشتن مانند توجه به پاراگراف ها، نقطه گذاری، طرح و عرضه مطالب کتبی، ساختار جمله ها و واژه ها و غیره

د) آموزش توجه به روش ها و شیوه های تفهیمی و شنیداری، مانند واژه های کلیدی، استفاده از فنون خواندن فهرست مطالب، پیش نویس کردن، بازگویی، ویرایش و انتشار، برنامه های گرافیکی، و در نظر گرفتن منابع در برنامه جدید آموزش مهارت های زبان به ویژه خواندن در کلاس های ابتدایی، علاوه بر تأکید بر استفاده از منابع و مواد بسیار متنوع یاد شده، که عمدتاً شامل کتاب های درسی، کتاب های مکمل، و آزمایشگاه زبان به ویژه برای کودکان دوزبانی - کتابخانه مدرسه، استفاده از چارت و پوستر و کتاب های مصور و منابع و سبب صوتی و تصویری، بر یادگیری یکپارچه زیان تأکید می شود. هم چنین بر استفاده از هر نوع موادی که مدرسه و اجتماع محلی - فرهنگسراها، کتابخانه ها خانه کتاب شهرداری ها، موزه ها و سایر مکان ها و منابع آموزشی دولتی و یا غیر دولتی که با همیاری والدین می توانند برای کودکان فراهم آورند توصیه می شود

هدف های برنامه آموزش خواندن

هدف های برنامه جدید خواندن شامل: توسعه و غنی تر کردن تجربه کودک، گسترش و بهسازی علاقه ها و لذت بردن از خواندن، پرورش سازگاری فردی اجتماعی کودک، توسعه علاقه ها و گرایش به تفریحات ارزشمند و مهارت ها، تشویق به تحلیل و نقد افکار، توسعه منابع کامل برای کسب اطلاعات، ارتقا خود به رهبری، کسب رضایت مندی از پیشرفت در مهارت های پایه ای خواندن و شناخت کلمات از نظر ساختار معانی - توسعه معانی به طور جامع و سریع است. اگر قرار است این هدفها تحقق پیدا کنند. باید دامنه برنامه خواندن به صورت افقی و عمودی توسعه پیدا کند. به این معنا که آموزش خواندن باید به فراسوی مدارس ابتدایی یعنی به مدارس راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه نیز توسعه پیدا کند و دقت شود که خواندن در همه مراحل مدارس انجام گیرد نه این که منحصر به یک دوره خاص باشد (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

کشف آمادگی کودک برای خواندن

عوامل بسیاری در آمادگی کودک برای خواندن مؤثر است که معلم باید برای کشف و تصحیح عواملی که موجب عدم آمادگی برای خواندن می شود، به ویژه در پایه های اولیه ابتدایی، برنامه ریزی کند. عواملی که موجب عدم آمادگی کودک برای خواندن می شوند شامل: نداشتن دید طبیعی (نارسایی در دیدن)، دو بینی، نارسایی یا عدم پختگی ذهنی، عدم رشد عاطفی و اجتماعی و غیره. معلم برای کشف نبود دید طبیعی و بر طرف کردن این نارسایی می تواند از روش های متعدد با همکاری خانواده و به ویژه چشم پزشکان و متخصصان بینایی سنجی استفاده کند. هم چنین برای کشف آمادگی خواندن کودک از چک لیست های آماده که حاوی مطالبی درباره عوامل فیزیکی، روانشناختی، اجتماعی و عاطفی و تجارب قبلی کودک است می توان استفاده کرد. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

گوش دادن

کسب تسلط در گوش دادن به مراتب مشکل تر از خواندن است. زیرا که کودک بر آهنگ سرعت آن چه را که باید گوش بدهد کنترل ندارد. او مطلب نوشته شده ای را در پیش رو ندارد تا بتواند در صورت لزوم به

عقب برگردد و افکار را مجددا بررسی کند، همچنین سختی را که می شنود همیشه مثل مطالب خواندنی خوب سازمان یافته نیستند (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

معلمان معمولا به آموزش خواندن بیشتر از آموزش گوش دادن توجه دارند. هر چند اخیرا ضرورت طراحی برنامه دقیق یاری به کودک جهت یادگیری گوش دادن به طور مؤثر مورد توجه قرار گرفته است. گوش دادن در مدرسه و در زندگی خارج از مدرسه یکی از راههای اصلی یادگیری است. زمانی که کودک وارد مدرسه می شود تجارب قابل توجهی در گوش دادن دارد، اما او باید یاد بگیرد به طور هدفمند، به درستی و با دقت و مسئولانه گوش کند، به این ترتیب، گوش دادن بخشی از برنامه جدید مهارت های زبان تلقی می شود. کودک کودکستانی گوش دادن را از طریق داستان هایی که خوانده با گفته می شود، گوش دادن به موسیقی و سرودها با راهنمایی و دستورالعمل معلم یاد می گیرد. در دبستان یادگیری تلفظ درست کلمات و پیشرفت در سخن گفتن مستلزم گوش دادن دقیق است. هم چنین پیشرفت در خواندن، و هجی کردن به توانایی گوش دادن دقیق و نه . توانایی گوش دادن دقیق و تشخیص صداها بخش های کلمات بستگی دارد. علاوه بر این برای اینکه کودکان توام اشعار کام لذت ببرند در بحث ها و جلسات تبادل نظر شرکت کنند و این و افکارمان شده به وسیله دیگران را ارزشیابی کنند . (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

گوش دادن نه تنها کارکردهایی در مدرسه دارد بلکه در زندگی خانوادگی اجتماعی، و کسب و کار هم کارکردهایی دارد. موقعیت های زندگی کا مستلزم توانایی گوش دادن است شامل حضور در مجامع، سینما سخنرانی ها، کنسرت ها، و گوش دادن به رادیو، استفاده از تلفن، و مشارکت در گفت و گوها می باشد و آنچه فرد از این موقعیت ها به دست می آورد به توانایی او در خوب گوش دادن، ارزشیابی کردن و به کار بردن آنچه آموخته است بستگی دارد

عوامل دیگری نیز در اثربخشی گوش دادن تأثیر دارد. شنیدن به همان اندازه برای گوش دادن مهم است که دیدن برای خواندن. اگر شنوایی کودک ضعیف تشخیص داده شود، معلم باید علاوه بر اطلاع به مسئولان مدرسه و والدین برای چاره اندیشی، در صورت امکان تغییراتی در چیدمان صندلی های کلاس ایجاد کند و کودک را در بهترین موقعیت شنیدن قرار دهد عوامل فیزیکی در محیط کلامی مانند درجه حرارت، سرو صدای خیابان رفت و آمد دیگران در کلاس ممکن است مانع گوش دادن شوند. مدرسه باید همه سعی خود را برای فراهم آوردن محیط کلاسی که مناسب برای گوش دادن باشد انجام دهد

حتی اگر کودک ضعف شنوایی هم نداشته باشد و کلاس هم مناسب برای گوش دادن باشد باز هم برای این که کودک به طور مؤثرتری گوش دهد برد په دقت طراحی شده آموزش ضروری است. گوش دادن، موضوع در جداگانه ای نیست که به برنامه درسی مدارس ابتدایی اضافه شود بلکه مهارت هایی است که باید در رابطه با پیشتر حوزه های برنامه درسی ابتدایی در نظر گرفته شود و توسعه یابد. برنامه انجمن های مدرسه، رادیو، فیلم های ناطق، اطلاع رسانی ها، گروههای بحث و گفت و گو فرصت های خوبی را برای توسعه گوش دادن فراهم می کنند (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

برای توسعه گوش دادن مؤثر در مدارس ابتدایی موارد زیر پیشنهاد شده است:

۱. گوش دادن را باید جزئی از برنامه مهارت های زیان، مطالعات اجتماعی، علوم، موسیقی، و سایر حوزه های برنامه درسی در نظر گرفت.
۲. محیط کلاس باید از نظر درجه حرارت، چیدمان صندلی ها و کاهش سر و صدا مناسب برای گوش دادن باشد.
۳. ایجاد آمادگی بیشتر برای گوش دادن، ارتباط دادن مواد خواندنی با تجارب قبلی دانش آموزان و آموزش معنای واژه های جدید مورد نیاز و برانگیختن دانش آموزان برای پرسش کردن ضروری است.
۴. به دانش آموزان کمک شود هدفی برای گوش دادن تعیین کنند. مانند گوش دادن برای لذت بردن، گوش دادن برای پیدا کردن پاسخ به پرسش ها و غیره
۵. تعیین مباحث و مواد خواندنی باید مطابق باشد با سطح رشد و بلوغ، تجارب قبلی کودکان و مدت زمانی که می توانند به طور مؤثر گوش بدهند
۶. تعیین راهنما برای دانش آموزان در مورد بازگویی، خلاصه کردن و توضیح آنچه را که شنیده اند.
۷. کمک به دانش آموزان در ارزشیابی برنامه هایی که شنیده اند و کشف گفتارها یا تبلیغات نادرست و ادعاهای غلط و غیرواقعی
۸. یاد دادن اهمیت گوش دادن مؤدبانه در روابط مؤثر گروهی و اجتماعی

۹. انتخاب برنامه های رادیو با دقت بیشتر و فراهم آوردن امکان و فرصت گوش دادن به آنها با دقت به عنوان بخشی با ارزش از برنامه درسی، استفاده از برنامه ها برای برانگیختن دانش آموزان به منظور پیگیری فعالیت ها و پیش بردن برنامه های درسی تعیین شده

جایگاه نوشتن در برنامه مدارس ابتدایی

نوشتن در مدارس ابتدایی هدف نیست بلکه وسیله ای برای برقراری ارتباط و اظهار وجود است. نوشتن نیاز کودکان را برای یادداشت افکارشان پیام ها، نوشتن اسامی و نامه ها، نشانه گذاری و طبقه بندی اشیا برآورده می کند مدارس مسئولیت دارند به کودکان کمک کنند خواست های ضروری زندگی مدرن را بتوانند از طریق یادگیری نوشتن به طور آسان، خوانا و با سرعت کافی و منطبق با هدف هایشان بیان کنند. مربیان برای تسلط کودکان در نوشتن پیشنهاد می کنند که این کار در موقعیت های واقعی و با هدف آموزش نوشتن انجام گیرد. همچنین به درست، خوانا، و خوش خط نوشتن در کلیه کارهای کتبی تأکید می کنند. برای کسب تسلط در نوشتن نیز فعالیت هایی مانند نوشتن دعوتنامه ها، طبقه بندی کردن اشیا (نوشتن طبقات اشیا)، آماده کردن مطلب برای روزنامه کلاس را پیشنهاد می کنند. این کارکردها با تعیین دوره های تمرین تا زمانی که به پیشرفت کافی در مهارت مربوط به نوشتن برسند تکمیل می شود. نهایت این که این دوره ها باید خلاصه و سازمان یافته باشند تا این که هر کودک بتواند مشکلات نوشتن خود را مرتفع کند. برای پیشرفت و تسلط در نوشتن در مراحل اولیه استفاده از دفترچه های «سرمشق داره و تمرین با آنها را توصیه می کنند» (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

زیستن با هم: مطالعات اجتماعی

پرسشی که همواره ذهن انسان ها را درباره آینده تمدن بشری به خود مشغول کرده است این است که آیا انسان ها می توانند زندگی با همدیگر را یاد بگیرند. شواهد بسیاری گویای این واقعیت است که آینده ملت ها نه تنها به پیشرفت در علوم و تکنولوژی بستگی دارد بلکه بر دانش و مهارت در حوزه روابط انسانی نیز بستگی دارد. در جهان امروز برای: دیپلماسی، تجارت خارجی، برقراری روابط مدیریت - کار و کارگر، روابط بین فرهنگ ها، محافظت از منابع طبیعی و انسانی، افزایش امنیت انسانی، کاهش تهدید، جرم و جنایت مدیریت

امور عمومی (دولتی) و آموزش و پرورش داشتن شایستگی های اجتماعی با درجه بسیار بالا برای مردم کشورها ضروری است. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

گرچه از کودکان دوره ابتدایی انتظار نمی رود راه حل هایی را برای مسائل پیچیده ملی و بین المللی ارائه دهند، توافق جمعی بر این است که مدارس ابتدایی در معرفی کودک به جامعه و مسائل جامعه به کودک مسئولیت دارند. این که تا کجا می توان این مهم را انجام داد، چگونه برنامه مطالعات اجتماعی را تدوین و سازماندهی کرد، و از چه روش ها و موادی استفاده کرد، از جمله مسائل اصلی در برنامه ریزی درس مطالعات اجتماعی است. (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

در برنامه مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی نمی توان تنها مسئولیت آموزش اجتماعی کودکان را در نظر گرفت، بلکه علاوه بر آن اهت مهمی که مطالعات اجتماعی در رشد اجتماعی کودکان دارد مورد توجه گیرد. برنامه مطالعات اجتماعی کودکان را در زمینه ساختارها و فرایندهای طی آن مردم زندگی می کنند، کار می کنند، با یکدیگر رفت و آمده و با بیان می کنند آگاه می کند. هم چنین به کودکان کمک می کند سیستم اقتصادی کشور شکل و نوع حکومت، تاریخ و موقعیت کشور از نظر جغرافیایی و سیاسی چگونگی زندگی مردم تفاوت ها و نشانه های مردم کشورهای جهان، سهم مشارکتی شهروندان در تأمین رفاه اجتماعی، حقوق و وظایف شهروندان در یک جامعه آزاد را بدانند. محتوای برنامه جدید مطالعات اجتماعی از منابع متعدد و بسیار استخراج و تدوین می شود و روش های آموزش باید با استفاده از یافته های روان شناسی یادگیری و تحقیقات درباره فرایندهای مؤثر یادگیری هماهنگ انتخاب شوند. ارائه اطلاعات مفید در برنامه درسی مطالعات اجتماعی به کودکان کمک می کند به طور مستمر توانایی های مورد لزوم برای مشارکت مؤثر در زندگی اجتماعی را توسعه دهند

هدف های برنامه مطالعات اجتماعی

هدف نهایی برنامه مطالعات اجتماعی بهسازی زندگی، نه تنها در کلاس درس و مدرسه، بلکه در اجتماع محلی، جامعه ملی و جهانی است. مطالعات اجتماعی معمولاً برای توسعه هوشمندی، مسئولیت، خود - رهبری شهروندان طراحی می شود. از این رو، مدارس نه تنها فرصت هایی برای کودکان جهت کسب اطلاعات مفید

تدارک می بینند، بلکه آزمایشگاهی برای زندگی اجتماعی است که در آن کودک فرصت هایی برای توسعه ظرفیت های خود دارد و حداکثر سعی خود را برای مشارکت در بهسازی زندگی گروهی از خود نشان می دهد

هدفهای کلی مطالعات اجتماعی در دوره ابتدایی معمولاً شامل:

الف) دانستن و درک کردن،

ب) کسب مهارت ها،

ج) نگرش هاوارج گذاری است.

الف. دانستن و درک کردن (تفاهم با دیگران)

برنامه مطالعات اجتماعی به این منظور طراحی می شود که کودک بتواند به بهترین وجهی موارد زیر را بشناسد و اهمیت آنها را درک کند

۱. نهضتها، وقایع و شخصیت هایی که در تاریخ کشور اثرگذار بوده اند نهضت هایی مانند نهضت مشروطه خواهی، نهضت ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و ...

۲. سیستم اقتصادی را از نظر فعالیت های اقتصاد آزاد، به وجود آمدن مشاغل جدید به دلیل توسعه تکنولوژی اطلاعات، انگیزه سودجویی، عرضه و تقاضا، بخش های کار و کارگری، پیامهای بازرگانی (تبلیغات)، بیمه، بیکاری، قوانین دولتی در ارتباط با اقتصاد، اتحادیه ها و ..

۳. تأثیر موقعیت و مکان های جغرافیایی در زندگی، مانند رودخانه ها، دریاچه ها و منابع طبیعی، آب و هوا، نرخ جمعیتی در نواحی زندگی و ...

۴، مسائل جاری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نرخ رشد و توسعه اقتصادی، توسعه آموزش و پرورش، استفاده بهینه از منابع انرژی جدید، کمبود نیروی انسانی، سازگاری انسان و جوامع با عصر فضا و غیره.

۵. درک خصوصیات و فرهنگ مردم سایر کشورهای جهان، مسائل و نیازهای مشترک، نابرابری های اجتماعی در کشورها، توزیع نابرابر دانش بین ملت های توسعه یافته و در حال توسعه، اعتقادات و باورهای اساسی، تفاوت ها در تاریخ و گذشته ها، سیستم های اقتصادی و حکومتی، گفت و گوی تمدنها و تعامل، و احترام به سایر فرهنگ ها

۶. استقلال و آزادی انسانها و ملتها، آشنا شدن با حقوق انسانی و مسئولیت شهروندی، توجه به کرامت انسانی و احترام متقابل، احترام به قوانین و قراردادهای اجتماعی، دگرگونی های موقعیت خانه (وطن)، وسایل ارتباطی و انتقالی سریع، صنعتی شدن و شهرنشینی

صنعتی شدن و شهرنشینی، بخش های مختلفی دن با نهادهای مدنی و سیاسی و همکاری های بین المللی

۷. محافظت از منابع طبیعی، افزایش امنیت منابع و کشف منابع طبی

ب. مهارتها

برنامه مطالعات اجتماعی باید به دانش آموزان کمک کند مهارت های - را توسعه دهند

۱. کشف پیام های تبلیغاتی (بسا که در مواردی زیان آور هستند).

۲. کشف پیام های مردم فریبی

۳. تشخیص بیانات خارج از متن یا خارج از بحث ویژه.

۴، تشخیص ادعاهای نادرست (دروغین) در مورد تولیدات

۵. عدم اعتماد به کنایه ها (اشارهها) و نپذیرفتن توسل به هیجانها و سوء استفاده از عواطف و احساسات

۶. یادگیری و استفاده از اصطلاحات و واژه های فنی مانند: قانونگذار، قانونی، قوه مجریه (اجرایی) قوه قضایی، ملت و دولت، شهرداری، شهروندی، فراندوم و غیره.

۷. شناسایی منابع کسب اطلاعات شامل کتاب های درسی، کتاب های مرجع، لغت نامه ها (فرهنگ ها)، مجلات، سالنامه ها و غیره.

۸. استفاده از نقشه ها و کره جغرافیایی، چارت ها، برای درک روابط، استفاده از معیارها، علاقه، استفاده از مقیاس های طول، مجاه سنوات تاریخی (زمان)، ترسیم نقشه و چارتهای.

۹. مهارت در خواندن مواد و مطالعات اجتماعی، که و عماده، سریع خواندن، استفاده از شاخص ها، جداول

۱۰، مهارت در کار کردن به طور اثربخش با دیگران، کسب خبر و پیدا کردن دوست، یادگیری درباره داشتن توانایی های ویژه برای همکلاسی بودند و توسعه توانایی رهبری و غیره

ج. نگرش ها و ارج گذاری

برنامه مطالعات اجتماعی با هدف کمک به دانش آموزان در توسعه مطلوب نگرش ها و ارج گذاری موارد زیر طراحی شده است

۱. ارج گذاری به باورها و اعتقادات اساسی مردم کشور، ارزش فرد، ارزش های جهانی، برابری فرصت ها، فعالیت اقتصادی خصوصی، آزادی برای زیستن، آموختن، و یاد گرفتن، آزادی اندیشیدن و بیان اندیشه

۲. پذیرفتن تفاوت های عقیدتی در مدارس، کشور، حقوق فرد و دولته قوانین حکومتی و غیره

۳. ارج گذاری نسبت به میراث فرهنگی کشور، به مردانی که برای آزادی کشور جنگیدند، در نهادهای دولتی و ملی خدمت کردند. به تلاش برای آزادی در زمینه های گوناگون، به قانونگذاران، معلمان و دانشمندان و غیره

۴. پذیرفتن مردمانی که متفاوت از ما هستند، به نژادهای مختلف، ادیان و مذاهب، سیستم های اقتصادی، تفاوت ها در زبان و گویش، آداب و رسوم لباس پوشیدن و غیره.

۵. ارج گذاری به سیستم های آموزش و پرورش، کمک های دولت به آموزش و پرورش، توسعه ظرفیت های انتخاب، به جامعه قابلیت زا، چتر حمایتی دولت، حمایت های مالیاتی و غیره

برنامه ریزی برای مطالعات اجتماعی

- گستره روابط انسانی بسیار وسیع، بسیار پیچیده و بسیار پویاست. از این رو، کار انتخاب محتوای و سازمان دادن آن برای مقاصد تدریس در مدارس ابتدایی مستلزم برنامه ریزی مداوم و هوشمندانه است. با توجه توسعه پرشتاب سریع علوم اجتماعی در قرن اخیر، دروس مدارس و کیفیت کتاب های درسی به طور کلی و به موازات آن استانداردهای تربیت معلم باید مورد بازبینی مداوم قرار گیرند (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)
- در زیر اصول اساسی طرح سازمان برنامه درسی علوم اجتماعی در دوره ابتدایی پیشنهاد می شود
۱. برنامه مطالعات اجتماعی باید بر اساس هدف های درس مطالعات اجتماعی تدوین و ارائه شود
 ۲. چهارچوب کلی برنامه باید با مشارکت برنامه ریزان درسی، گروه های آموزشی ذینفع و افراد متخصص تهیه شود
 ۳. طرح برنامه باید آزادی بیشتری به معلمان در انتخاب تجارب یادگیری و سازمان دادن برنامه در چهارچوب کلی پذیرفته شده، و مطابق با نیازها و علاقه های یادگیرندگان فراهم آورد
 ۴. طرح برنامه باید امکان استفاده از اجتماع محلی را به عنوان آزمایشگاه یادگیری فراهم آورد
 ۵. دامنه و وسعت برنامه باید برحسب جنبه های مهم روابط انسانی جامع و متعادل باشد و یادگیری مداوم را مطابق با مراحل رشد کودکان پیشنهاد کند.
 ۶. طرح باید به صورت افقی توسعه پیدا کند و امکان استفاده از سایر حوزه های برنامه درسی مانند زبان، علوم، هنر فراهم کند
 ۷. طرح باید از نظر عمودی نیز توسعه پیدا کند و تجارب یادگیری در هر بیانیه با آموخته های قبلی ارتباط داشته باشد و ادامه پیدا کند
 ۸. طرح باید انعطاف پذیر و برحسب پیشرفت های آموزش و پرورش و تغییرات شرایط زیستی مورد بازبینی مداوم قرار گیرد

آموزش حفاظت محیط زیست

مسئولیت مدارس برای کمک به بهره برداری درست از منابع ملی - طبیعی مورد تأکید بیشتر برنامه ریزان قرار گرفته است. زندگی کردن با آن چه که مردم به عنوان مسئله با آن روبه رو هستند باید در برنامه ریزی درسی مورد توجه قرار گیرد. جهت گیری آموزش حفاظت محیط زیست باید در زمینه های :

محافظت از خاک از طریق کشت و توسعه درختان مناسب با شرایط اقلیم هر محل باشد، محافظت از جنگل ها از طریق شناساندن تأثیر درختان به طور کلی جنگل در زندگی، در جلوگیری از سیل، و ارزش جنگل در تلطیف هوا و جذب رطوبت، تأثیر آن در زندگی وحوش باشد. همچنین ارزش اقتصادی جنگل و استفاده آن در زندگی، و محافظت از معادن و آموزش چگونگی محافظت از معادن فلزات مختلف، سنگ های ساختمانی به ویژه معادن نفت و گاز و ارزش آنها در توسعه اقتصادی و اجتماعی و غیره، هم چنین محافظت از دریا و حیوانات دریایی به ویژه ماهی ها، محافظت پرندگان و آموزش ویژگی هایی انواع مختلف پرندگان و محل زیست آنها، و تأثیر پرندگان در زندگی، و نیز محافظت از آب رودخانه ها، جمع آوری آبهای باران در سدها و جلوگیری از آلوده کردن آن، و تأثیر منابع آب در توسعه کشاورزی، صنعت و به طور کلی در زندگی، و سرانجام محافظت از منابع انسانی از طریق توسعه آموزش سلامت و بهداشت برای همه پیشگیری از بیماری های واگیر، و به طور کلی بار آوردن نسلی سالم و قوی، عاقل و خردمند، دارای مهارت ها و نگرش های مطلوب در بهتر زیستن و ساختن آن چه که در شأن انسان است (تقی پور ظهیر ، ۱۴۰۰)

ریاضیات دوره ابتدایی

در دهه های اخیر برنامه ریاضیات در مدارس ابتدایی تغییرات چشمگیری پیدا کرده است. این تغییرات از یک سو متأثر از پیشنهاد روانشناسان شناخت گرا مانند برونر - بود مبنی بر این که اصلاح برنامه درسی هر موضوعی باید مبتنی بر تحلیل ساختار همان موضوع درسی باشد تا بخش های مختلف آن، هم چنین مفاهیم و واژه های کلیدی آن که به کرات در سرتاسر محتوا برای سامان دادن و معنی بخشیدن به انبوهی از اطلاعات به کار می روند مورد شناسایی قرار گیرند. از سوی دیگر این تغییرات در برنامه درسی ریاضیات ناشی از تأثیر منابع بیشتری بوده است، از جمله:

الف) تأثیر تغییرات اجتماعی، که نیاز به مهارت و توانایی بیشتر در ریاضیات را موجب شده است.

ب) پیشرفت نظریه های یادگیری که روش های آموزش ریاضیات را اثربخش تر کرده است،

ج) علاقه ریاضی دانان به بهسازی برنامه درسی ابتدایی و متوسطه، و سرانجام،

د) با توجه به آموزه «دیسپلین های ذهنی در موضوع های درسی مانند ریاضیات به منظور توسعه تفکر منطقی دانش آموز که به عنوان یکی از اهداف اصلی آموزش و پرورش در نظر گرفته می شود، به طور کلی موجبات تغییر در برنامه درسی ریاضیات شده است .

اهداف کلی آموزش ریاضیات

علاوه بر هدف یاد شده یعنی توسعه تفکر منطقی دانش آموز، هدف های آموزش برنامه ریاضیات در دوره ابتدایی شامل توسعه مفاهیم ریاضی توسعه توانایی درک ریاضی نهم ریاضی، توسعه توانایی حل مسائل توسعه ارج گذاری و نگرش مطلوب نسبت به ریاضیات، هم چنین درک نقش پویای ریاضیات در اجتماع و پیشرفت سایر علوم و تغییرات تکنولوژی، و سرانجام توسعه مهارت کاربرد ریاضیات در زندگی روزانه و ادامه تحصیلات است. گفته شده است زمانی که معلمان اصول ریاضیات دوره ابتدایی را که حاصل تحقیقات و تجربیات است خوب درک کنند. برنامه ریاضیات در دوره ابتدایی بسیار جالب و اثربخش تر آموزش داده خواهد شد

محتوای ریاضیات دوره ابتدایی

حساب که به عنوان مطالعه سیستم اعداد تلقی می شود، هنوز هم نقش مهمی را در برنامه ریاضیات مدارس ابتدایی ایفا می کند. به کودکان شمرده جمع کردن، تفریق، ضرب و تقسیم، هم چنین کار با اعداد کسری (مانند کسر متعارفی و اعشار، دهم، صدم و...)، اندازه گیری، حل مسائل و جملات ریاضی آموخته می شود. هر چند به موازات موارد فوق، محتوا و روش های جدید آموزش هم معرفی می شوند. محتوای برنامه های جدید که به طور کلی در هشت مقوله یا مورد ارائه شده است، ارتباط وابسته و یکپارچگی مطالب در ریاضیات دوره ابتدایی و متوسطه را به این ترتیب نشان می دهد سیستم های اعداد شمارش، محاسبه ذهنی و نوشتاری، الگوهای عده روابط مربوطه، کاربرد روابط، هندسه تشریح، ترسیم اشکال و نمودارها موقعیت ها و مکان ها،

اندازه گیری و انتخاب واحد، اندازه گیری سنجش تخمین با برآورده، حل مسئله، مجموعه ها، منطق (استدلال)، جملات ریاضی (جبر)، آمار و احتمالات و توابع ریاضی و سرانجام ابزارهای ریاضی و راهکارها و اصطلاحات، علائم و نشانه های ریاضی ان

چهار مورد اول یعنی سیستم های اعداد، هندسه، اندازه گیری و حل مسئله، حوزه ای از ریاضیات را نشان می دهد که باید در مدارس ابتدایی به طور اثربخش و سیستماتیک آموخته شوند. چهار حوزه بعدی یعنی مجموعه ها، منطق، (استدلال) جملات ریاضی، آمار و احتمالات جنبه هایی از ریاضیات ابتدایی هستند که معلمان بایستی به منظور مؤثر واقع شدن کار آموزش ریاضیات و راهنمایی فعالیت های یادگیری، با مفاهیم و روش های آموزش بیشتر و بهتر آشنا شوند. ترتیب عناوین ارائه شده در بالا نشان دهنده اولویت نیست بلکه جنبه های عمومی ریاضیات هستند که در ابتدا ارائه شده اند و معلم می تواند مطابق با موقعیت آموزش به نحوی که لازم می داند از آنها استفاده کند

علوم در برنامه درسی مدارس ابتدایی

علوم و تکنولوژی هر دو از یک سو بهترین امید و از سوی دیگر ترسناک ترین تهدید برای بقاء و رفاه و بهروزی انسان است. علوم و تکنولوژی را می توان برای ارتقای استاندارد زندگی، کاهش بیماری ها و ناخوشی ها، و غنی کردن و طولانی تر کردن عمر انسان به کار برد. از سوی دیگر می توانند عامل تخریب و ویرانی، جور و ستم، و آزار حیوانی باشن به این مناسبت است که از مدارس انتظار می رود در پرورش دانشمندان آسانگرا سهم مؤثرتری داشته باشند و به همه شهروندان درباره درک و است تاثیر علوم در زندگی روزانه شان یاری کنند

گرچه بعضی جنبه های علوم در مدارس ابتدایی از دیرزمانی تدریس می شود، اما بررسیها و بیشتر نوشته های پژوهشی نشان می دهد که رشد آموزش علوم، به ویژه امور موقعیت استوار در برنامه درسی به ویژه آموزش کشف محیط طبیعی در به دست آوردن نامه درسی مدارس ابتدایی آهنگ آهسته ای داشته است

محیط مادی، مسائل زیست محیطی (ایداع اخیر اوایل قرن بیستم ک محیط مادی را در مدارس ناکه آموختن علوم بیشتر در قلمرو افراد با درجات علمی بالا بود معلمان مدارس ابتدایی به طور کافی و مناسب شده بودند. از

اوایل نیمه دوم قرن بیستم، هم زمان با بازگشت دانش اعزام به خارج که در این رشته تحصیل کرده بودند، به تدریج در دانم به ویژه دانشگاه های تربیت معلم (دانشسراهای عالیها) به تربیت مع علوم اقدام کردند. پیامد چنین اقدامی راه یافتن آموزش علوم در برنامه در مدارس ابتدایی بود که به تدریج سیر تحول و تکاملی خود را به آهستگی این سال ها طی کرده است

پژوهش های بسیاری درباره علاقه مندی های کودکان به علوم انجام گرفته است. یافته های این پژوهش های برای برنامه ریزان درسی فرصت هایی فراهم می آورد تا بتوانند برنامه علوم تجربی دوره ابتدایی را با استفاده از سائق های طبیعی و عمومی کودکان به علوم تدوین کنند. بعضی ویژگی های سائق های طبیعی و عمومی کودکان که در برنامه ریزی درسی علوم باید مورد توجه قرار گیرند از این قرارند

. کودکان به بررسی و کشف علاقه دارند، دوست دارند بررسی کنند کشف کنند و سعی می کنند بدانند محیط دور و بر شان از چه چیزها و چو تشکیل شده است.

علوم در برنامه درسی مدارس ابتدایی

پرسش های کودکان بازتابی از علاقه مندی های وسیع آنهاست. از نقطه نظر کودکان، بخش بندی ساختگی و مصنوعی در علوم مانند علوم زیستی با فیزیکی وجود ندارد. سوالات کودکان درباره علوم، سوالات کلی است و حاکی از علاقه مندی های وسیع آنان درباره نجوم، زیست شناسید زمین شناسی، فیزیک، شیمی و غیره است. از این رو، ته ضرورتی دارد و نه عاقلانه است که برنامه آموزش علوم در پایه های ابتدایی به جنبه هایی مثل علوم زیستی محدود شود، بلکه مداومت و توازن در برنامه درسی زمانی واقعیت پیدا می کند که در هر یک از حوزه های کلی علوم برای هر پایه ابتدایی تجارب لازم تدارک دیده شده باشد. این رویه همچنین این امکان را فراهم می آورد که پاسخ سؤالات کودکان در هر مورد به آینده و پایه های تحصیلی بالاتر موكول نشود

هدف های برنامه آموزش علوم در مدارس ابتدایی

در عصر هزاره سوم، تحقق بیشتر هدفهای آموزش و پرورش مبتنی بر علوم و فناوری است که اهنگ رشد آن در این دوره بسیار پر شتاب است جدید درباره فرایندهای بررسی و کاوشگری، دانش جدید درباره ی حوزه های متعدد علوم، اطلاعات جدید درباره این که در چه سطحی از رشد ان علوم را یاد می گیرند، بازاندیشی و تفکر جدیدی را درباره هدف های در مدارس ابتدایی ایجاب می کند. دانشمندان علوم و بیشتر برنامه ریزان

درسی همگام با سیاست گذاران برنامه های توسعه پایدار کشور، علاوه بر تاکید بر هدف های توسعه عقلانی، جسمانی، اجتماعی، و عاطفی، عناوین علمی هدف های آموزش علوم در دوره ابتدایی را به شرح زیر پیشنهاد کرده اند

۱. درک این مهم که تحقق بیشتر هدف های برنامه های توسعه کشور مبتنی بر استفاده وسیع و جامع از علوم و فناوری است.

۲، دانستن و کشف این که دانشمندان علوم از چه روش های بررسی و کاوشگری استفاده می کنند.

۳، ارج گذاری به رضایت و خشنودی حاصل از کشف پدیده ها، کار راههای پیشرفته در علوم و نتایج آنها در زندگی

۴. دانستن سهم مشارکت علوم در تصمیم گیری های مربوط به توسعه ملی و منطقه ای، سهم مشارکت علوم در بهینه سازی بهداشت و سلامت جمعی، سهم مشارکت علوم در ارتقای جایگاه کشور بین سایر کشورها، و به تصمیم گیری هایی که مستلزم دانستن اطلاعات علمی و اصول آن است.

وسعت و توالی برنامه علوم در مدارس ابتدایی

تا چند دهه پیش وسعت برنامه علم در مدارس ابتدایی شامل محتوای وسیع و کلی علوم بود، مانند: موجودات زنده و ویژگی ها و ساختار موجودات زنده تنوع محیط زیست نیازها و روابط آنها، زمین و جهان - قاره ها، وضع اقلیمی (آب و هوا)، فصول، منظومه شمسی، کشف فضا ماده و انرژی و حرکت، الکتریسته و مغناطیس، نور و صدا، تغییر شی انرژی و بقای آن، و سرانجام مواد اولیه - ساختار و خواص آنها، مواد مایع، گاز، ساختمان و ترکیبات، واکنش های شیمیایی مواد و مانند آنها...

در سال های اخیر گرایش دانشمندان به سوی شناسایی تعمیم های اساسی در رابطه با شاخه های متعدد علوم است. تعمیم ها ممکن است به صورت زیر بیان شوند

۱. زمین تنها بخشی از جهان است. جهان غیر از منظومه خورشیدی ما و کهکشان مربوط به آن شامل ستارگان و کهکشان های دیگری نیز هست

۲. انسان و سایر موجودات زنده برای زیستن به زمین، به اتمسفر آن و خورشید بستگی دارند
 ۳. کلیه اشیا از ماده تشکیل شده اند. هر چند ماده قابل تبدیل به صورت های دیگر است، اما نمی توان آن را با وسایل معمولی به وجود آورد با تخریب کرد و از بین برد
 ۴. کلیه مواد و اورگانسیم (موجودات زنده) روی زمین دارای فرایند تکامل و تغییر در طول زمان هستند
 ۵. عوامل محیطی معمولا توزیع و انتشار (فراوانی) اورگانسیم را تعیین می کنند
 ۶. انسان به وسیله دانش در حال رشد فزاینده می تواند با دستکاری ها نیروهای طبیعی برای ارتقاء بهداشت و بهزیستی خود تدبیر کند. برنامه ریزی تجربه های متوالی علوم شامل: شناختن مراحل رشد و توسعه کودک، شناختن ساختار دیسپلین های متعدد علوم، تا جایی که از دانش آموزان انتظار می رود در مدت زمان داده شده آن را یاد بگیرند و مبنی است بر آنچه که قبلا آموخته اند
- به نظر برنامه ریزان درسی، مداومت و مشارکت در برنامه ریزی یادگیری علوم مداومت در یادگیری برنامه ریزی جامع آموزش و شروع آموزش علوم از نقطه ای که کودکان دارای دانش و تجارب قبلی هستند، از بات است. علاوه بر برنامه ریزی جامع و فراگیر از طریق مطالعه مداوم است که مدارس و معلمان نیز بتوانند با آزادی بیشتر برنامه علوم را با تفاوت های فردی دانش آموزان منطبق کنند

ابعاد ضروری اثربخشی برنامه علوم

- در تحلیل نهایی، اثربخشی برنامه علوم در مدارس ابتدایی به وسیله آنچه دانش آموز واقعا یاد می گیرد تعیین می شود. آیا تجاربه روزمره به دانش آموزان در توسعه توانایی درک و تفسیر پدیده هایی که در محیط فیزیکی و زیستی آنها اتفاق می افتد کمک می کنند؟ دانشمندان علوم همگام با روان شناسان، و برنامه ریزان درسی موارد زیر را برای اثربخش کردن آموزش علوم سودمند دانسته اند
۱. علاقه های کودکان در ضمن آموزش علوم مورد شناسایی و پرورش قرار می گیرد. زمانی که کودک پا به مدرسه می گذارد درباره بیشتر جنبه های محیط دارای انگیزه و به آنها علاقه مند شده است، درباره حیوانات،

گیاهانه پروانه ها و قورباغه ها درباره زمین و آسمان، ابرها و باران، گرما و سرما روشنایی و تاریکی، درباره هواپیما و راکت ها، درباره اشیا و وقایع بی شماری که با رشته علوم تجربی ارتباط دارند

اگر معلم به دانش آموزان در درک و فهمیدن علوم، به طور کلی، کمک کند روستاهای مشاهده، تجربه کردن، خواندن کتاب های علوم در حد توانایی را فراهم آورد، کودکان می توانند برای بیشتر سوالات خود پاسخ های و از این راه علاوه بر کسب خشنودی، علاقه های آنها نسبت به علوم توسعه پیدا می کند

۲. معلم باید اطلاعات و دانش کافی درباره علوم پایه و روشها که به طور کلی را داشته باشد. یکی از نقاط ضعف برنامه آموزش علوم در مدارس ابتدایی، ضعف برنامه تربیت معلمان با تدریس علوم در مدارس ابتدایی است

۳. تجارب کودکان باید از طریق تدریس مستقیم تکمیل و یکپارچه شود. برنامه های آموزش علوم باید از یک سو در جدول برنامه روزانه مدارس قرار گیرد و از سوی دیگر با ایجاد فرصت ها دانش آموزان کمک کند تا بین علوم، ریاضیات، زبان، مطالعات اجتماع هنرها و بهداشت و غیره ارتباط برقرار کنند

۴. روش های آموزش علوم بر یادگیری مبتنی بر کشف، تأکید دارد استفاده از روش های کشف به وسیله دانش آموزان مستلزم یادگیری مراحل حل مسئله است. زیرا که مراحل کشف نیز از نظر دانشمندان شامل: الف بررسی و شناسایی مسئله، ب. بیان فرضیه ها، ج، جمع آوری داده ها برای آزمایش، د. انتخاب راه حل آزمایشی، هم قبول یا رد راه حل آزمایشی پیشنهاد شده از نظر دقت و عمل است

۵. مدارس ابتدایی باید وسایل و مواد مناسب و لازم برای تدریس علوم را فراهم آورند. کتابهای درسی، کتاب های مرجع، فیلم، اسلاید، قلم استریپ، برنامه های علوم رادیو و تلویزیون، آموزش برنامه ای مواد گردش های علمی، مشاهده پدیده ها به طور مستقیم و واقعی، و کسب تجارب مستقیم می توانند در آموزش اثربخش برنامه علوم در مدارس ابتدایی نه مهمی را ایفا کنند

بهداشت و تربیت بدنی

نشانه ی تندرستی و سلامتی، داشتن بهترین وضع جسمی و روانی می باشد که همانا سعادت و بهروزی اجتماعی است. از این رو، سالم بودن بالاتر از صرفاً نداشتن بیماری یا سست نبودن است. اساس و بنیاد زندگی داشتن شور و نشاط است. کودک تندرست و شادمان از نظر اجتماعی سازگارتر و تواناتر از کودک ضعیف از

نظر تندرستی برای انجام دادن تکالیف مدرسه است پد بهداشت اساسا یک هدف خود به خودی نیست. بلکه وسیله ای است برای بهتر و مؤثرتر زیستن و یاد گرفتن .

باید برای همه ی عواملی که در پرورش همه جانبه ی کودک به ویژه سلامت و تندرستی او مؤثر هستند برنامه ریزی جامع داشته باشد.

هدفهای برنامه بهداشت مدارس ابتدایی

برنامه های بهداشت در دوره ابتدایی به طور کلی به مسئله حق نگهداری منابع انسانی مربوط می شود. از دیر زمانی بهداشت و تندرستی من اصلی شادکامی فرد و توانایی ملی شناخته شده است. هدف کلی برنامه بهداشت در مدارس ابتدایی کمک کردن به کودکان است که بتوانند تصمیم های هوشیارانه را درباره مسائل بهداشت خود، بهداشت اجتماع محلی، منطقه ای و کشور اتخاذ کنند. زیرا هر جنبه از برنامه های مدرسه بر بهداشت، در نتیجه، بر سلامت و تندرستی کودکان تأثیر دارد. از این رو، لازم است همه افراد و پرسنل مدرسه هدف های برنامه بهداشت مدرسه را بدانند و مسئولیت هایی را برای مشارکت در تحقق این هدفها بپذیرند. انواع هدف های بهداشت مدارس ابتدایی که به طور کلی پذیرفته شده اند از این قرارند

۱. پیش بینی و فراهم آوردن اطلاعات اساسی برای کمک به کودکان به منظور حفظ سلامت خود و بهبود آن

۲، کمک به کودکان جهت توسعه عادات سالم زیستن و داشتن توانایی

برای ادامه زندگی توأم با نشاط و با نیروی زیستی بیشتر

۳، کمک به کودکان تا یاد بگیرند چگونه خود و دیگران را از بیماری های همسری محافظت کنند

۴، کمک به کودکان جهت توسعه توانایی تشخیص پیامهای بازرگانی و تبلیغات نادرست دارویی در مورد بهداشت و سلامت، و خودداری از خرید و مصرف داروها یا شفابخش های ناشناخته، و استفاده از منابع قابل اعتماد و مراقبت های پزشکی

۵. کمک به کودکان جهت اجتناب از قبول پیشنهادهای و توصیه‌های پزشکی افراد غیر پزشک و غیر متخصص، به ویژه اجتناب و دوری از فالگیران شیاد، که با کلمات و جملات فریبنده خود سلامت کودکان و آینده خانواده‌هایشان را به خطر می‌اندازد.

۶. آموزش مقررات و توصیه‌های عمومی و معمول برای پیشگیری و اجتناب از تصادفات و چگونگی استفاده از کمک‌های اولیه در مواقع ضروری

۷. ترغیب کودکان برای پذیرفتن مسئولیت‌های بیشتر به منظور برنامه‌ریزی و استفاده از غذاهایی که از هر لحاظ مناسب تشخیص داده شده‌اند.

۸. آموزش و طرح‌ریزی برنامه روزانه کاملاً متعادل برای کودکان در مورد کار کردن، بازی کردن، استراحت، و فعالیت‌های اجتماعی و

۹. علاقه‌مند کردن کودکان برای شرکت در فعالیت‌های مدرسه، خانه، و اجتماع محلی جهت بهسازی و ارتقای بهداشت

۱۰. کمک به کودکان در انتخاب مطالب بهداشتی و قابل درک برای مطالعه آنها

۱۱. کمک به کودکان برای پذیرفتن محدودیت‌های عمومی بدن و بهره‌بردن از نقاط قوت خودشان.

۱۲. کمک به کودکان در درک اهمیت حفظ حالت درست بدن، استفاده از لباس راحت و حفظ بهداشت شخصی

مؤلفه‌های اصلی برنامه بهداشت و تربیت

برنامه رضایت بخش بهداشت مدارس ابتدایی شامل: محیط سالم مدرسه خدمات بهداشتی مناسب، برنامه قابل قبول و کارآمد آموزش، و برنامه هدفمند و سیستماتیک تربیت بدنی است. مؤلفه‌ها و ابعاد برنامه بهداشت با توجه به سازمان مدارس ابتدایی، کادر بهداشتی، و مدیریت به شرح زیر است:

۱. برنامه بهداشت مدارس ابتدایی همبستگی بسیاری با مسائل بهداشتی و منابع اجتماعی محلی دارد.

۲. کادر مدرسه، به طور کلی، باید با فرایندهای آموزش بهداشت و اهمیت آن آگاهی کامل داشته باشد.

۳. آموزش بهداشت را نباید یک برنامه «لوکس یا اتفاقی در نظر گرفت برای آموزش بهداشت، مثل سایر موضوع های درسی، باید مدت و زمان معین در جدول برنامه درسی مدارس ابتدایی در نظر گرفت، حداقل در کلاس های بالاتر از سوم. همچنین، بهداشت ضمن سایر موضوع های درسی هم باید آموزش داده شود
۴. به منظور رشد و ارتقای تندرستی و زندگی سالم، در مدرسه فضای سبز طراحی، ایجاد و نگهداری شود
۵. ورزش و تربیت بدنی بخش جدایی ناپذیر برنامه رسمی مدارس است. نباید آن را یک فعالیت فوق برنامه تلقی کرد.
۶. در مراحل مختلف برنامه بهداشت مدارس هماهنگی مناسب وجود داشته باشد. مثلا در تربیت بدنی جنبه های بهداشتی هم مورد تأکید قرار گیرد همچنین، برنامه ایمن سازی (واکسیناسیون) و معاینات جسمی به عنوان بخشی از تجارب آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.
۷. مواد و وسایل مناسب و لازم برای برنامه های بهداشت و تربیت بدنی تدارک دیده شود
۸. سیاست های بهداشت مدارس به روشنی تعریف و استقرار دسترس کلیه مربیان و والدین قرار گیرد.
۹. توصیه های پزشکان باصلاحیت، پرستاران، مربیان با روان شناسان پرورشی و سایر کادر بهداشتی هم به وسیله مدرسه و هم به وسیله همکاری مسئولان شهری (وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، سازمان بهزیستی و شهرداری ها) آماده شده و در اختیار مدرسه مربیان بهداشت و تربیت بدنی گذاشته شود .
۱۰. هماهنگی و همکاری مؤثری بین برنامه های بهداشت های بهداشتی اجتماع محلی وجود داشته باشد
۱۱. محیط مدرسه از نظر برخوردهای تصادفی و خطرات آتش سوزی با این و متناسب با ویژگی های رشد کودکان ایجاد شود
۱۲. پیش بینی های کاملا مشخص و دقیق برای پرورش و ارتقای بهداشت بدنی - روانی کادر مدرسه انجام گیرد.

مقاصد خدمات بهداشتی مدارس ابتدایی

خدمات بهداشتی مدرسه از طریق تعاون و همکاری مدرسه با مراکز خدمات بهداشتی و درمانی محلی، و همکاری والدین، پزشکان، پرستاران، دندان پزشکان، انجمن های مدنی و سایر شهروندان انجام می گیرد. این خدمات به منظور مراقبت فوریتهای پزشکی، پیشگیری از شیوع بیماری های مسری و واگیر، کشف و معالجه بعضی نارسایی های بدنی و راهنمایی دانش آموزان و والدین به منظور حل مسائل بهداشتی مورد نیاز تدارک دیده می شود

از خدمات بهداشتی می توان به عنوان تجارب آموزشی برای افزایش اطلاعات، بهتر کردن نگرش ها و تأثیر گذاشتن بر رفتار کودکان در رابطه با مسائل بهداشتی استفاده کرد. مثلا معلم می تواند از برنامه ایمن سازی واکسیناسیون برای آموزش کودکان که چگونه ایمن سازی به آماده کردن بدن برای دفاع و مقابله با بیماری کمک می کند استفاده کند. هم ممکن است از برافروختن چهره کودک در زمان اپیدمی (شیوع بر و تصادفات استفاده کند و دانش آموزان را آموزش دهد

محتوا و فعالیتهای برنامه آموزش بهداشت

برنامه آموزش بهداشت در دوره ابتدایی با برنامه های آموزش و توسعه شی، نگرش و رفتار دانش آموزان در حوزه های (۱) بهداشت شخصی (۲) تغذیه (۳) به بیماری های مسری، (۴) اقدامات بهداشتی، (۵) استراحت، (۶) اهمیت وضع و حالت بدن (۷) لباس پوشیدن، و (۸) ایمنی ارتباط

محتوا و فعالیت های متناسب با هر یک از این حوزه ها به اجمال از این قرارند:

محافظت از بدن

۱. یادگیری اطلاعات و حقایق اولیه درباره ساختار بدن انسان ۲. یادگیری اهمیت حمام رفتن و شست و شوی بدن به طور منظم ۳. ایجاد عادات استفاده از حوله شخصی، (۴) یادگیری توجه کردن به قام و بعد از صرف غذا و به استخر یا حمام رفتن، (۵) محافظت پوست بدن آفتاب سوختگی (۶) محافظت پوست از طریق کسب عادات استفاده از آب تمیز و صابون مایع، (۷) اجتناب از فشار دادن جوش ها در کورک، (۸) نگهداری ناخن گیر به صورت تمیز و پاکیزه و ۹. با لباس سر و وضع پاکیزه به مدرسه آمدن (۱۰) یادگیری مسواک زدن دندان ها حذاق دو بار در روز پس از خوردن غذا، (۱۱) خودداری از گاز گرفتن اجسام سخت، (۱۲) درک نیاز به معاینه کردن و مرتب دندان ها، (۱۳) دانستن این که استفاده دائمی و بیشتر از شیرینی ها به دندان ها آسیب می رساند،

۱۴) ایجاد عادت شستن گوش ها به طور کامل و با احتیاط، ۱۵) خودداری از فوت کردن، به گوش ها با قرار گرفتن گوشها در جهت باد شدید، ۱۶) یاد گرفت علائم نشان دهنده مشکل گوش ها و مراجعه به پزشک، ۱۷) انگشت در بینی نکردن، ۱۸) استفاده از دستمال تمیز با دستمال کاغذی، ۱۹) یادگیری انتخاب کفش راحت و مناسب برای پاهای در حال رشد ۲۰) خواندن کتاب در نور کافی و استراحت دادن به چشم ها به طور متناوب در مواقع مطالعه به مدت طولانی و خودداری از نگاه کردن مستقیم به خورشید یا نور های شدید ۲۱) درک نیاز به کردن چشم ها به طور مستمر

تغذیه مناسب

۱. تهیه و ارائه فهرستی از غذاهای اصلی.
- ۲) شناختن غذاهایی که دندان ها را محکم می کنند.
- ۳) یاد گرفتن این که خوردنی ها و میوه ها را به صورت تازه، شسته یا پوست کنده شده باید مصرف کرد،
- ۴) یاد گرفتن اینکه چگونه غذاها و نوشابه های خیلی گرم یا خیلی سرد بر هضم غذا تاثیر منفی دارند،
- ۵) یادگیری تأثیر استراحت و نشاط برای کمک به هضم غذا
۶. نشان دادن اثرات زیان آور غذا های تند و سرخ شده
۷. درک اهمیت جویدن مناسب غذاها
- ۸) بحث درباره اثرات زیان بار خوردن بین دو وعده غذا ۹. درست کردن صورتی از غذاهای مناسب برای شرایط مختلف آب و هوا و فصل ها ۱۰) برنامه ریزی کاملاً متعادل برای صبحانه، ناهار و شام

بیماریهای واگیر

۱) یادگیری نوشیدن از آب سردکن های فشاری فواره ای، ۲) اجتناب از دونه انگشت، مداد، و پول به دهان، ۳) نشان دادن روش صحیح دستمال گرفتن جلو دهان در موقع عطسه و سرفه، ۴) در خانه ماندن در زمان سرماخوردگی با سایر بیماری ها، ۵) دور ماندن از مکان های پرجمعیت در مواقعی که اپیدمی (انتشار بیماری های واگیر) وجود دارد. ۶) مشاهده فیلم درباره واکسیناسیون و یادگیری اهمیت آن، ۷) دانستن این که چگونه واکسیناسیون مقاومت بدن را در برابر بیماری ها بیشتر می کند یا به مبارزه با عوامل بیماری زا کمک می کند، ۸) یادگیری اهمیت سالم بودن منابع و ظروف آب و شیرهای آب، ۹) یادگیری روش های محافظت خود از پشه ها و به طور کلی از حشرات

اقدامات بهداشتی

۱. دانستن این که وسایل نوشیدنی بهداشتی دارای چه ویژگی هایی باشند. ۲) نشان دادن روش درست شستن و خشک کردن دستها. ۳. یادگیری مهم ترین قوانین بهداشتی اجتماع محلی، ۴) کمک به تمیز و بهداشتی نگه داشتن خانه، مدرسه، و اجتماع محلی، ۵) شرکت در فرایند پاکسازی محیط زیست، ۶) برنامه ریزی برای کمک به نگهداری بهداشتی خانه شستن ظروف گذاشتن مواد در یخچال تمیز نگه داشتن آشپزخانه نظافت حمام، و اتاق خواب به طور مرتب، گردگیری داخل اتاق و ..

استراحت، آسودن، خواب

۱. کودکان کمتر از یازده سال باید حدود ده ساعت خواب و استراحت داشته باشند،

۲) تشکیل عادت استراحت متناوب و منظم در ساعات روز،

۳) برنامه ریزی بازی کردن تا پیش از احساس خستگی،

۴) برنامه ری برای کار، مطالعه، تفریح تا زمانی که مانع ساعات لازم برای خواب نشوند

۵. خوابیدن پس از خاموش کردن چراغ در موقعیت و حالت راحت

۶) استفاده از روانداز گرم و سبک در فصل سرما،

۷) نشان دادن نحو خوابیدن و استراحت در مواقع بیماری و دوران نقاهت.

لباس پوشیدن

۱) یادگیری اهمیت پوشیدن بارانی و یا استفاده از چتر در زمان بارندگی (۲) یادگیری این که چرا لباس ها باید شسته، و تمیز، و اطو کشیده باشند (۳) انتخاب لباس مناسب برای هر فصل، (۴) یادگیری این که لباس های کتان و نخی اجازه می دهند هوا از لایه های آنها عبور کند و لباس های پشمی پوست و خز یا لباس هایی که با مواد پلاستیکی ساخته شده اند گرما را نگه می دارند. (۵) نشان دادن این که موادی اشیاء و لباس سفید و رنگ روشن نور خورشید را بر می گردانند. در حالی که مواد، اشیاء، و لباس های مشکی نور خورشید را جذب می کنند. پس در فصل گرما باید لباس های سفید با رنگ های روشن استفاده کرد و در فصل سرما از لباس های تیره رنگ استفاده کرد. (۶) نشان دادن روش درست آویزان کردن کلاه، کت، بلوز و سایر لباس ها به جالباسی

ایمنی

- ۱) به یاد داشتن نام و نشانی و شماره تلفن در مواقع اضطراری
- ۲) خودداری از حرف زدن با غریبه ها یا سوار شدن به ماشین افراد ناشناس
۳. خود داری از بازی کردن در خیابان به ویژه اتوبان ها
۴. یادگیری چگونگی سوار شدن به دوچرخه به طور ایمن و با استفاده از کلاه ایمنی، هم چنین همچنین یادگیری مقررات شهر درباره دوچرخه سواری و یادگیری استفاده از ای راهنما و چراغ های چهارراه ها و علائم راهنمایی و رانندگی و عبور از محل های خط کشی شده برای عابران پیاده،
- ۵ نشان دادن ی چگونه از دوچرخه خود نگهداری کند و چگونه با رعایت ایمنی خود دیگران سوار بر آن شود.

۶) دانستن نحوه استفاده از وسایل کمک های اولیه شامل، اقدام در موقع سکسکه، خون دماغ، یا اقدام و کمک به فردی که گرفتار آتش سوزی است،

۷) رعایت احتیاط و ایمنی در شنا کردن و قایق رانی،

۸) تشخیص سالم یا ناسالم بودن مکان ها و وسایل بازی

۹) عبور از عرض خیابان با نگاه کردن به هر دو طرف خیابان و چراغ و علائم راهنمایی

ورزش و تربیت بدنی

برنامه درسی مدارس زمانی کامل می شود که در برنامه و جدول زمانی آموزش کلاس ها، ورزش و تربیت بدنی به طور منظم، و با حضور کلیه دانش آموزان هر کلاس جایگاه خاص خودش را داشته باشد. ورزش و تربیت بدنی به ویژه در دوره ابتدایی بخش جدایی ناپذیر برنامه درسی مدارس است و نباید آن را صرفاً به عنوان یک سری فعالیت بدنی و گاه گاهی به طور اتفاقی تلقی کرد. تربیت بدنی به عنوان یکی از مهم ترین هدف های - پرورش در یک جامعه پویا در نظر گرفته می شود. کودکان به میزان زیادی به ورزش و فعالیت های بدنی هدفمند و برنامه ریزی شده زیر نظر متخصصان برای رشد طبیعی عضلات، گردش خون، تنفس، و سایر اعمال از دارند. رشد اجتماعی عاطفی کودکان مستلزم فراهم آوردن فرصت هایی برای توسعه علاقه های آنان به تفریحات سالم و مهارت هایی است که برای یادگیری بازی کردن با دیگران، انتخاب و احترام هم بازی ها به ویژه به سر گروه (لیدر)، و پیروی از مقررات و قواعد بازی

هدفهای برنامه تربیت بدنی در مدارس ابتدایی

تربیت بدنی در سلامتی، قوی بودن در زندگی اجتماعی و توسعه پایدار علاقه مندی به تفریحات سالم و مهارت ها سهم ویژه ای دارد. هدف های برنامه تربیت بدنی در مدارس ابتدایی به اجمال از این قراراند:

۱. کمک به رشد عضلات و توسعه نیرو، متناسب بودن بدن، داشتن اندام های فوی

۲. تهیه وسایل، ابراز وجود و مشارکت در بهداشت روانی

۳. مشارکت در رشد اجتماعی کودکان از طریق فراهم آوردن فرصت هایی برای بازی کردن با سایر کودکان،

۴. فراهم آوردن وسایل و امکان استراحت کافی در فواصل فعالیت ها و جنبه های رسمی برنامه مدارس

۵. توسعه علاقه به تفریحات سالم و مهارت هایی که مستلزم استفاده از اوقات فراغت به نحو مطلوب و

رضایت بخش است

۶. فراهم آوردن فرصت هایی برای شادمانی و خشنودی ضمن صرف انرژی بدنی و عاطفی (هیجانی)

۷. توسعه عادات و رفتار خوب ورزشکاران (پهلوانان) برای رشد و توسعه شخصیت و داشتن شخصیت

خوب، شهروندی،

۸. توسعه توانایی ارج گذاری به حرکات موزون و لذت بردن از آن به عنوان شرکت کننده در آن و یا به عنوان

تماشاچی

برنامه تربیت بدنی شامل انواع متفاوت فعالیت ها به منظور کسب اطمینان از این که هر کودک دارای فرصت لذت بردن از احساس رضایتی است که در نتیجه مشارکت در فعالیت های متناسب با نیازها و توانایی هایش به او دست می دهد. انواع فعالیت هایی که برای کودکان مدارس به طور کلی مناسب تشخیص داده شده است از این قرارند

۱. بازی های آزاد و نمایشی

از دیر زمانی روان شناسان به ارزش های نمایشی در رشد عواطف کودکان پی برده اند. بازی در واقع، دریچه ای از ایمنی است. کودکان امیدهایشان را ترس هایشان را و مخالفت هایشان را، پرخاشگری هایشان را در مواقعی که درگیر انواع بازی ها هستند ظاهر می کنند. اکثر قریب به اتفاق معلمان مدارس ابتدایی هم ارزش بازی را در رشد بدنی، عاطفی، و اجتماعی و عقلی کودکان شناخته اند. از این رو سعی می کنند انواع وسایل و فرصت هایی را تهیه کنند که کودکان را به این نوع بازی ها تشویق کنند. در بیشتر کلاس های ابتدایی انواع وسایل بازی متناسب با سنین کودکان از تخت خواب عروسک گرفته تا وسایل آشپزخانه اجاق، بشقاب و لیوان - و لباس های مدل برای بازی های نمایشی ایفای نقش مادر پرستار، آشپز و در کلاس های بالاتر انواع بلوک های پلاستیکی برای جدول کشی و جداسازی محوطه بازی از سایر قسمت های کلاس، هواپیماهای کوچک، اتومبیل، کامیون، آمبولانس، ماشین آتش نشانی و غیره که کودکان در نقش خلبان، راننده و غیره ظاهر می شوند

در جدول زمانی برنامه های آموزشی روزانه، اوقاتی را هم برای بازی اما در کلاس یا در خارج از آن در نظر میگیرند. در مورد بازی های داخل کلاس کودکان در گروه های کوچک، هر گروه در گوشه ای از کلاس جمع می شوند و با پوشیدن لباس های مبدل، هم چنان که گفته شد، به بازی های نمایشی مثل معلم و مدرسه بازی، دکتر و پرستار مشغول می شوند، در خارج از کلاس به وسایل بازی مانند سرسره بازی با ماسه، خانه سازی، و سایر بازی های فصل استفاده می کنند. این بازی ها به طور کلی فرصت هایی را برای کودکان فراهم می کنند تا مقدمات اصول سازمان اجتماعی را تمرین کنند. آنان مقررات و قواعدی را وضع تصمیم می گیرند چه کسی از بازی خارج و یا وارد بازی شود، کودکان ن به اطاعت، با اجرای مقررات بسیار جدی و حساس هستند.

۲. بازی های دسته جمعی

بازی های دسته جمعی (گروهی) اساسا با ورزش های قهرمانی ارتباط پیدا می کنند. این بازی ها ورزش ها به منظور جلوگیری از دل سرد شدن باید به تدریج به کودکان معرفی شوند. در کلاس های بالاتر از سوم، برای این نوع بازی ها، باید پسرها از دخترها جدا شوند. بازی های دسته جمعی مستلزم داشتن مهارت های نسبتا مشکلی است از این رو، به تمرین های قابل توجهی نیاز است تا کودکان بتوانند به سطح اجرای برسند این نوع بازی ها موقعیت های طبیعی برای توسعه شخصیت و منش مطلوب فراهم می کنند. بازی های دسته جمعی شامل: فوتبال بانوب کوچک، اسافت بال و بسکتبال و فوتبال دستی و امثال این هاست

۳. فعالیت های موزون (ریتمیک)،

حرکات موزون، فعالیت های همراه با آهنگ ها از نظر بدنی، روانی و عاطفی برای کودکان بسیار مناسب تشخیص داده شده است. در آهنگ های مقدماتی و پایه برای حرکات موزون از ماهیچه های بزرگ استفاده می شود و مستلزم هماهنگی با درجات بالا نیست انتخاب دقیق موسیقی (آهنگ) سازگار با فعالیت و فرصت های فراوان برای تمرین ضروری است

جایگاه هنرهای زیبا در برنامه درسی مدارس ابتدایی

برنامه هنرهای زیبا بخشی از برنامه درسی مدارس ابتدایی است موسیقی و هنرهای دیگر به صورت موضوع های درسی جنبی، آن هم برای تعداد معدودی از دانش آموزان علاقه مند با استعدادهای درخشان، یا برای

آنهايي که قصد دارند به عنوان «موسيقي دان حرفه اي و هنرمند در ايتل طراحي و در نظر گرفته نمي شود. اکنون به طور کلي شناخته شده است که موسيقي و ديگر هنرها نقش مهمي را در زندگي همه افراد جامعه ايفا مي کنند و از اين رو بايد شامل برنامه رسمي آموزش و پرورش عمومي باشد (تقي پور ظهير، ۱۴۰۰)

با توجه به اهميت هنرها در زندگي، راهنماي آموزش آنها بايد همانند راهنماي برنامه درسي رياضيات، علوم، و ساير موضوع هاي درسي دوره ابتدايي تدوين شود، با در نظر گرفتن اينکه تعداد معلمان با صلاحيت براي آموزش موسيقي و هنرها محدود است، مراکز تربيت معلم و سازمان هاي آموزشي استان ها بايد به طور جدي به فکر تربيت معلمان هنر پردازند تا به تدريج کمبودها برطرف شود. از طرفي هم براي معلمان موجود هنر بايد کتابها، جزوات و مجله هاي حرفه اي بيشتري تأليف و منتشر شود و در اختيار معلمان به منظور آشنائي با روش هاي جديدي آموزش قرار گيرد. سه حوزه هنر هاي زيبا يعني: (۱) رشد زيبائي شناسي، (۲) استفاده بهينه از اوقات عمومي است. فراغت (۳) توسعه عواطف و احساسات، بخشي از برنامه آموزش و پرورش

۱، رشد و زيبائي شناسي

به طور کلي، هنرها و موسيقي نقش مهمي نه تنها در زندگي هنرمندان حرفه اي و موسيقي دانان، بلکه در زندگي همه انسان ها ايفا مي کنند. اگر درباره پرورش ذوق هنري آموزش هايي داشتيم، بدون ترديد انتخاب هايي در بيستر موارد با آگاهي هاي بيشتري انجام مي داديم. مثلا در انتخاب خانه، وسايل هاي عمومي، بهسازي شهري و اجتماعي اثاث منزل، لباس، انتخار انتخاب نوع تفريحات سالم و طريق مطالعه و بررسي صنايع داوري قرار نمي گيرد

۲. استفاده بهينه از اوقات فراغت

علوم و تکنولوژي امکاناتي را فراهم آورده است که کار به وسيله ماشين انجام گيرد، و همين موجب شده است که اوقات فراغت فزاينده اي در اختيار انسان ها قرار گيرد که از آن استفاده کنند. در اوقات فراغت انسان ها و در بين وسايل و امکانات و موقعيت هاي مختلف، موسيقي و هنر سهم ويژه و مهمي در استفاده بهينه از اين اوقات فراهم مي آورند.

۳. رشد عواطف

پرورش عواطف انسانی نقش بسیار مهمی را در فرایند یادگیری ایفا می کند، این موضوع کاملاً شناخته شده است. موسیقی و هنرها در کودکان حالات و احساس به وجود می آورند. از این رو، اگر روند یادگیری در مدرسه همراه با موسیقی و هنر باشد اثربخش تر خواهد بود. همچنین آموزش تجارب مربوط به هنرهای زیبا در مدارس ابتدایی می توانند توام با در راستای تجارب یادگیری سایر موضوع های درسی مانند مطالعات اجتماعی و با مهارت های زبان انجام گیرد و یا به صورت یک موضوع درسی جدا از سایر موضوع های درسی طی دوره ای که شامل اطلاعات و مهارت ها درباره ی هنرهای زیبا باشد آموزش داده شود. در هر صورت، خوشی و نشاط معنای از پرورش ذوق هنری و درک هنرهای زیبا موجب رشد و تلطیف عوامل احساسات در کودکان می شود و نباید اهمیت آن از نظر دور بماند (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

چرا هنر در دوره ابتدایی باید آموزش داده شود؟ هدفهای آموزش هنر)

آموزش هنر جایگاه با ارزش و مهمی را در بین هدف های اصلی مدارس ابتدایی داراست. آموزش هنر فرصت هایی را برای هر کودک فراهم می آورد تا توانایی های ذاتی خود را به حداکثر توسعه دهد و در پهنسازی زندگی جامعه مشارکت داشته باشد

آموزش هنر، همچنان که گفته شد، وسیله ای برای بیان امید و افکار احساس و عواطف کودک را فراهم می آورد و به او در درک زیبایی های دنیای خود و ارج گذاری به آنها کمک می کند. هم چنین اعتماد به نفس کودک را درباره توانایی هایش توسعه می دهد

به طوری که خدمات مربوط به کسب تخصص های آموزش هنر در دسترس همه معلمان ابتدایی قرار گیرد.

طرف دیگر، آن گروه از معلمان ابتدایی که آمادگی ویژه و آموزش هنر ندارند باید از طریق شرکت در کارگاه های آموزش هنر کا معمولاً از طریق موسسات آموزش و دانشگاه ها برگزار می شود، همچنین از طریق شرکت در کلاس های آموزش های ضمن خدمت درباره آموزش هنر، دانش و مهارت های لازم برای تدریس را کسب کنند (تقی پور ظهیر، ۱۴۰۰)

پایان